



لعنت خدا بر کدخدایان

هافینگتون پست: منتقدان پس از حمله دیوانه‌وار
ترامپ به پاپ، اورا لعن می‌کنند

نظام آموزشی آماده شرایط بحرانی



علیرضا کاظمی در بازدید سرزده
مسعود پزشکیان رییس جمهور
از وزارت آموزش و پرورش ضمن
ارائه گزارشی تفصیلی از مدیریت
چندلایه این وزارتخانه در شرایط جنگی و تداوم بی‌وقفه
آموزش ها و فعالیت های رسانه ای، گفت: به‌محض
اطلاع از شرایط جنگی، دستور تخلیه مدارس صادر شد تا
کسی آسیب نبیند و همزمان فرآیند اطلاع‌رسانی عمومی
و هدایت نظام آموزشی از طریق رسانه ملی در دستور کار
قرار گرفت.

به گفته وی، به‌رغم شرایط دشوار، روند آموزش تا ۲۸
اسفندماه ۱۴۰۴ بدون وقفه ادامه یافت و معلمان در خط
مقدم آموزش باقی ماندند و این موضوع «نمونه‌ای
کم‌نظیر از تعهد حرفه‌ای فرهنگیان» محسوب می‌شود.
وی با تأکید بر نقش زیرساخت‌های دیجیتال در مدیریت
بحران، اظهار کرد شبکه دانش‌آموزی شاد در اوج بحران
توانست حضور ۱۵.۵ میلیون کاربر را در یک روز ثبت کند
که یک رکورد تاریخی به شمار می‌رود.

وزیر آموزش و پرورش تصریح کرد با همکاری دستگاه‌های
ذی‌ربط، ظرفیت سرورها به‌سرعت ارتقا یافت و مدارس
نیز به کانون‌های پشتیبانی آموزشی و اطلاع‌رسانی تبدیل
شدند؛ به‌گونه‌ای که نوعی «بسیج عمومی آموزشی» در
کشور شکل گرفت.

کاظمی در ادامه به کارکردهای فراتر از آموزش این نهاد
اشاره کرد و گفت: آموزش و پرورش در این مقطع صرفاً
یک نهاد آموزشی نبود، بلکه به پناهگاه اجتماعی مردم
تبدیل شد و از تمام ظرفیت‌های موجود برای خدمت
رسانی به مردم استفاده شد.

وی گفت: بر اساس این گزارش، بیش از ۴۵۰ مدرسه برای
اسکان و ارائه خدمات در اختیار مردم قرار گرفت و در عین
حال، بیش از ۱۳۰۰ مدرسه، اردوگاه و فضای ورزشی در جریان
حملات وحشیانه دشمن آسیب دید.

وی با اشاره به تنوع‌بخشی به روش‌های آموزشی،
خاطر نشان کرد: در کنار آموزش مجازی، مدرسه تلویزیونی
به‌عنوان آموزش مکمل فعال شد و حتی بسته‌های
آموزشی آفلاین برای شرایط اضطراری طراحی و
آماده‌سازی شد.

کاظمی، این اقدامات را نشانه آمادگی نظام آموزشی برای
مواجهه با سناریوهای مختلف در شرایط بحران دانست.
وزیر آموزش و پرورش، با اشاره به حوزه منابع انسانی و
معیشت فرهنگیان، از پرداخت زود هنگام حقوق اسفندماه در
۱۹ اسفند، صدور احکام رتبه‌بندی و پرداخت افزایش‌های
ناشی از آن و پرداخت پاداش بازنشستگان سال ۱۴۰۴ برای
اولین بار در کمتر از سه ماه خبر داد.

ترامپ در حالی تصویری از خود در
حال شفای بیماران و به تقلید از
حضرت مسیح (ع) منتشر کرد که
فعالان رسانه‌های کشور مان، داستان
او را که امروز ادعای تقدس دارد،
همان داستانی می‌دانند که فرمان
کشتار کودکان مدرسه میناب و
بمباران ناوشکن دنا را امضا کرده
است.

گروه سیاسی خبرگزاری فارس؛
«دونالد ترامپ» رییس جمهور
آمریکا، روز گذشته در اقدامی عجیب،
تصویری از خود را در شبکه اجتماعی
شخصی‌اش منتشر کرد که او را در
قامت حضرت عیسی مسیح (ع) در
حال شفای بیماران نشان می‌داد.
اقدامی، با واکنش‌های کسرتوده‌ای
در میان مسیحیان و مسلمانان
جهان مواجه شد.



لیگ نخبگان آسیا ۳۲ تیمه شد

در صفحه ۸ بخوانید

اقدامات آمریکا مصداق باج‌گیری است

در صفحه ۲ بخوانید

جنگ شهری در جنوب لبنان

در صفحه ۴ بخوانید



از کشتار کودکان در میناب تا اهانت به حضرت عیسی



ترامپ در حالی تصویری از خود در حال شفای بیماران و به تقلید از حضرت مسیح(ع) منتشر کرد که فعالان رسانه‌ای کشورمان، دستان او را که امروز ادعای تقدس دارد، همان دستانی می‌دانند که فرمان کشتار کودکان مدرسه میناب و بمباران ناوشکن دنا را امضا کرده است.

گروه سیاسی خبرگزاری فارس: «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا، روز گذشته در اقدامی عجیب، تصویری از خود را در شبکه اجتماعی شخصی‌اش منتشر کرد که او را در قامت حضرت عیسی مسیح (ع) در حال شفای بیماران نشان می‌داد. اقدامی، با واکنش‌های گسترده‌ای در میان مسیحیان و مسلمانان جهان مواجه شد.

در این میان فعالان رسانه‌ای کشورمان نیز به اقدام اهانت‌آمیز ترامپ واکنش نشان دادند. «مرود مدرن» در آستانه سقوط

مسعود اکبری، فعال رسانه‌ای، با اشاره به سنت تاریخی خداوند در نابودی طاغوتیان نوشت: «تاریخ ثابت کرده هر جا دیکتاتوری خود را قدسی پنداشت، لحظه‌ی سقوطش آغاز شد. تصویری از نمرود مدرن در آینه هوش مصنوعی؛ دستی که امروز ادعای شفا دارد، همان است که فرمان کشتار کودکان مدرسه میناب و ملوانان ناوشکن دنا را امضا کرد.»

محسن هوشمند نیز تأکید کرد: «حضرت مسیح (ع) نماد صلح، اخلاق و پاکی بود. با هوش مصنوعی نمی‌شود آدم فاسد، جنگ‌طلب و کودک‌کشی مثل ترامپ را در موقعیت «منجی» جا زد. عاقبت ترامپ همان سرنوشت نمرود و فرعون است؛ سقوط از اوج تیختر به حقیضی ذلت.»

از کشتار میناب تا توهین به مسیح
 راحله امینیان هم با اشاره به سابقه سیاه ترامپ در حمایت از کشتار مسلمانان و فلسطینیان نوشت: «حمایت‌های ترامپ قمارباز تمام شدنی نیست. دیکتاتور خونسفته هر روز یک جنایت جدید مرتکب می‌شود؛ روزی کشتار مسلمانان و روز دیگر اهانت به مقدسات پیروان حضرت عیسی (ع)، پایان فرعون‌صفتان، نابودی است.»

ایران خواستار غرامت از ۵ کشور منطقه شد



به استفاده از قلمروهایشان توسط متجاوزان و، در برخی موارد، مشارکت در ارتکاب حملات مسلحانه غیرقانونی علیه جمهوری اسلامی ایران، در نقض قطعنامه ۳۳۱۴ (دوره بیست‌ونهم) مجمع عمومی مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴، خاتمه دهند؛

– از طریق اعمال متخلفانه بین‌المللی خود، تعهدات بین‌المللی خویش در قبال جمهوری اسلامی ایران را وفق حقوق بین‌الملل نقض نموده و بدین‌ترتیب مسئولیت بین‌المللی آنان محقق گردیده است؛

– می‌بایست جبران کامل خسارات وارده به جمهوری اسلامی ایران را، از جمله پرداخت غرامت بابت کلیه خسارات مادی و معنوی ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی خود، به‌عمل آورند.

موجب امتنان خواهد بود چنانچه دستور فرمایید مکاتبه حاضر به‌عنوان سند رسمی شورای امنیت توزیع گردد.

امیر سعید ابروانی

سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد

قلمروهای دولت‌های فوق‌الذکر می‌باشد، بلکه در برخی موارد، حاکمی از مشارکت مستقیم آنان در ارتکاب حملات مسلحانه غیرقانونی علیه اهداف غیرنظامی در جمهوری اسلامی ایران نیز هست. ادله مزبور مبتنی بر پایش‌ها و ارزیابی‌های انجام‌شده توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۲. موضع حقوقی جمهوری اسلامی ایران در خصوص قطعنامه غیرموجه ۲۸۱۷ شورای امنیت، طی نامه‌ای مورخ ۱۸ مارس ۲۰۲۶ به دبیرکل و رئیس شورای امنیت ابلاغ گردیده که به‌عنوان سند مجمع عمومی و شورای امنیت منتشر شده است. در آن مکاتبه تبیین گردیده است که قطعنامه ۲۸۱۷ به شیوه‌ای آشکارا غیرعادلانه، از حیث حقوقی غیرقابل دفاع و اساساً منفک از واقعیات عینی و حقوقی وضعیت، به تصویب رسیده است.

۳. یادآوری می‌گردد که در تاریخ ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، جمهوری اسلامی ایران مورد یک اقدام آشکار تجاوز قرار گرفت که به‌طور مشترک توسط ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل و در نقض صریح حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد ارتکاب یافت. از آن زمان، متجاوزان از قلمروهای پادشاهی بحرین، پادشاهی عربستان سعودی، دولت قطر، امارات متحده عربی و پادشاهی هاشمی اردن برای ارتکاب اعمال تجاوزکارانه علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده نموده‌اند.

رفتار این دولت‌ها در اجازه دادن به استفاده از قلمروهایشان توسط متجاوزان علیه جمهوری اسلامی ایران، مصداق عمل تجاوز محسوب می‌گردد. لذا، در اوضاع و احوال حاضر، دولت‌های مزبور نمی‌توانند به‌طور قانونی به ماده ۵۱ منشور ملل متحد در قبال جمهوری اسلامی ایران استناد نمایند، چراکه ایران قربانی تجاوز بوده و در حال اعمال حق ذاتی دفاع مشروع خویش است. این امر مزیداً به‌واسطه این واقعیت تأیید می‌گردد که در برخی موارد، حملات مسلحانه غیرقانونی علیه اهداف غیرنظامی در جمهوری اسلامی ایران مستقیماً توسط همین دولت‌ها ارتکاب یافته است.

با عنایت به مراتب فوق، پادشاهی بحرین، پادشاهی عربستان سعودی، دولت قطر، امارات متحده عربی و پادشاهی هاشمی اردن؛

– می‌بایست به اعمال متخلفانه بین‌المللی خود، از جمله اجازه دادن

■ «امیرسعید ابروانی» به وقت محلی در نامه ای به «آنتونیو گوترش» دبیرکل سازمان ملل متحد و رئیس دوره ای شورای امنیت گفت: بحرین، عربستان، قطر، امارات و اردن باید به اعمال متخلفانه بین‌المللی خود، از جمله اجازه دادن به استفاده از قلمروهایشان توسط متجاوزان و در برخی موارد، مشارکت در ارتکاب حملات مسلحانه غیرقانونی علیه جمهوری اسلامی ایران، در نقض قطعنامه ۳۳۱۴ (دوره بیست‌ونهم) مجمع عمومی مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴، خاتمه دهند.

وی افزود: این پنج کشور، از طریق اعمال متخلفانه بین‌المللی خود، تعهدات بین‌المللی خویش در قبال جمهوری اسلامی ایران را حقوق بین‌الملل نقض کرده و بدین‌ترتیب مسئولیت بین‌المللی آنان محقق شده است و باید «جبران کامل خسارات وارده به جمهوری اسلامی ایران را، از جمله پرداخت غرامت بابت کلیه خسارات مادی و معنوی ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی خود، به‌عمل آورند.»

متن کامل نامه سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد

سازمان ملل به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

متعاقب دستور دولت متبوعم و در پاسخ به نامه‌های مورخ ۲۹ و ۳۰ مارس ۲۰۲۶ و ۸ آوریل ۲۰۲۶ نمایندگی دائم پادشاهی بحرین نزد سازمان ملل متحد خطاب به رئیس شورای امنیت؛ نامه‌های مورخ ۲ و ۶ آوریل ۲۰۲۶ و ۱۰ آوریل ۲۰۲۶ نمایندگی دائم پادشاهی عربستان سعودی نزد سازمان ملل متحد خطاب به رئیس شورای امنیت؛ نامه‌های مورخ ۳۰ مارس ۲۰۲۶ و ۶ و ۷ آوریل ۲۰۲۶ نمایندگی دائم دولت قطر نزد سازمان ملل متحد خطاب به رئیس شورای امنیت؛ نامه مورخ ۳۱ مارس ۲۰۲۶ نمایندگی دائم امارات متحده عربی نزد سازمان ملل متحد خطاب به رئیس شورای امنیت؛ و نامه مورخ ۱ آوریل ۲۰۲۶ نمایندگی دائم پادشاهی هاشمی اردن نزد سازمان ملل متحد خطاب به رئیس شورای امنیت، توجه جنابعالی و اعضای شورای امنیت را به مراتب ذیل جلب می‌نماید:

۱. علی‌رغم رد کلی استدلال‌های حقوقی و ادله واقعی از سوی مدعیان، جمهوری اسلامی ایران اطلاعات مستند و مبتنی بر ادله را در اختیار شورای امنیت قرار داده است که نتنها ناظر بر استفاده متجاوزان از



جواب‌دربه‌زیاده‌خواهی‌های‌آمریکا

■ حسین امامی راد نماینده مردم چناران در مجلس شورای اسلامی درباره مقاومت مردم ایران در برابر دشمن، اظهار کرد: مردم و نیروهای مسلح با مقاومت و ایستادگی در مقابل تهاجم قدرتهایی مجهز به سلاح هسته‌ای و اتمی و دارای مجهزترین ارتش‌های دنیا، یعنی آمریکا و اسرائیل و هم‌پیمانان‌شان، از کبان کشور، نظام و انقلاب، دفاع می‌کنند و با پاسخ کوبنده و پشیمان‌کننده، آن‌ها را به حالت استیصال و تمنای مذاکره و آتش‌بس، وادار کرده‌اند.

وی افزود: نظم نوین جهانی، به صورت فراگیر، در حال شکل‌گیری است و ایران، با اقتدار کنونی و شکستن هیمنه ابرقدرت‌های پوشالی، در این راستا، نقشی تعیین‌کننده و غیر قابل انکار دارد و در برهم زدن دنیای تک قطبی و تغییر معادلات منطقه و جهان، تأثیری شگرف دارد.

نماینده چناران ادامه داد: امروز، ایران مقتدر، آمریکا و هم‌پیمانانش را در عرصه‌های دیپلماسی، میدان و خیابان، شکست داده است و در جنگ رمضان نیز، به فضل خدا، پیروزی نهایی از آن ماست.

امامی راد با اشاره به مذاکرات در اسلام آباد گفت: تیم مذاکره کنند ایران با اقتدار تمام، در اسلام آباد پاکستان، بعد از ۳۱ ساعت مذاکره با طرف آمریکایی، بدون دادن هیچ امتیازی، به خواسته‌ها و زیاده‌خواهی‌های آن‌ها، جواب زد دادند و از سویی بدعهدی چندین‌باره طرف مقابل، نمایان شد.

وی اظهار کرد: ترامپ، بعد از اینکه در این مذاکرات، به اهدافش نرسیده و هیچ امتیازی دریافت نکرده، جملاتی بر زبان آورده و تهدید کرده که هر کشتی و نفت‌کشی که برای عبور از تنگه هرمز، عوارضی به ایران بدهد، توقیف خواهد شد. در پاسخ به این ادعای ترامپ باید گفت: آمریکا، چنین حق و جرانی ندارد، اگر عرضه داشت ، کشتی‌ها، ناوها و نفتکشهایشان را با ۱۰۰۰ کیلومتر فاصله تا تنگه هرمز، متوقف نمی‌کردند.

امامی‌راد، در واکنش به گفته دیگر ترامپ مبنی بر اینکه: ایران با طرح کنترل تنگه هرمز، به دنبال باج‌گیری از جهان است، گفت: این تصمیم ایران به معنای باج‌گیری نیست، بلکه حق مسلمی است که تا کنون، از این حق و ظرفیت ویژه، استفاده نکرده‌ایم. از سویی، اقدامات آمریکا در منطقه و اقصی نقاط دنیا، مصداق باج‌خواهی و باج‌گیری است؛ حمله و اشغال کشورهای ضعیف و دارای ذخایر نفتی، گازی و معدنی با نگاه منفعت طلبانه، ایجاد پایگاه‌های فراوان نظامی در خاک بسیاری از کشورهای دیگر، تعبیر تحقیرآمیز(گاودشیرده) برای عربستان، همه و همه، مصادیقی برای روحیه باج‌خواهی آمریکایی‌هاست.

نماینده چناران و طریقه ، در پایان اشاره کرد: آمریکا، نه تنها به دنبال باج‌خواهی و باج‌گیری از سایر کشورهاست، بلکه در راه رسیدن به مقاصد شوم و منافع و باج‌گیری‌هایش، دشتی به خون میلیون‌ها انسان بی‌گناه نظامی و غیر نظامی آغشته است و در کشتار انبوهی از زنان و کودکان بی‌بنا و بی‌دفاع، در جای جای دنیا، سهیم است.



تقدیرشورای‌هماهنگی‌تبلیغات‌ازحضور‌حماسی‌وتاریخ‌سازمیدانی‌مردم

■ شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در تقدیر از حضور حماسی و تاریخ‌ساز میدانی مردم و تبیین افق‌های راهبردی حرکت جاری و مستمر امت، بیانیه تحلیلی – راهبردی صادر کرد.

متن بیانیه تحلیلی – راهبردی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

و من یعظم شعائرالله فانها من تقوی القلوب.

تقوای جمعی ملت بزرگ در روزهای تاریخی اخیر و بعد از عروج قائد جلیل‌القدر تجلی جدیدی یافت و حرکت تاریخی ملت ایران بر محور اراده‌های الهی و مجاهدت‌های رهبر شهید و آموزه‌های معنوی و قرآنی او شکل تازه ای یافت. آن‌گاه که پروردگار متعال اراده فرماید تا درس‌هایی بزرگ را در آینه‌ای از وفاداری، آگاهی و عظمت به بشریت بنمایاند، ملتی را مبعوث میکند و امتی را برمی‌گزیند تا حامل این پیام و تجلی اراده الهی در گذار تاریخی و در جلوی چشم جهانیان باشند. حضور اعجاز گونه مردم در اقصی نقاط و در خیابان‌ها و میدانیین سراسر کشور در بزرگداشت آرمانهای انقلاب و بیعت با رهبر انقلاب و حضور آنها در مراسم عاشورایی درچهلمین روز وداع با اسوهی مجاهدت، تقوا و رهبری دینی، حضرت آیت‌الله العظمی امام سید علی حسینی خامنه‌ای (قدس‌الله‌فسله‌الزکیه)، یکی از آن نقاط عطف تاریخی و «مایشگاه عینی حیات و اراده ملت» و «پارادایم‌شکنی در معادلات اجتماعی – سیاسی» منطقه و جهان است. این حضورهای مستمر و مقاوم، پاسخی عمیقاً آگاهانه، خودجوش و تبیین‌کننده به رخداد غلغلیی بود که دشمنان امت اسلام، آن را نقطه آغاز انفصال ملت از نظام و ارزش‌هایش تصور می‌کردند اما مردم مسیر نورانی امام شهید خود را برگزیدند. برروند و خروجی این رخداد و نتیجه این رویداد، مدال‌های کاملاً آگاهانه و خیرت‌آفرین و پرمتنا بود. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، با تحلیل ابعاد راهبردی این رخداد کهن‌نظیر، ضمن تقدیر از این ملت بزرگ و سترگ، وجوه مختلف این حماسه را تبیین و افق‌های پیش‌روی آن را ترسیم می‌نماید.

حضور میلیونی و سیل‌آسای مردم در میداین و کوی برزن شهرها، مساجد، بقاع متبرک، صلی‌های سراسر کشور و کوچک‌ترین و دورافتاده‌ترین روستاها، «پدیده کیفی چندلایه» و «تکوین یک الگوی نوین اجتماعی» در سهر ایران اسلامی است. این حضور، در حقیقت، بیعت و هم‌مهدی‌مجددی با رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدّ ظله‌العالی) و تجدید میثاقی عمیق با آرمان‌های امام راحل کبیر و قائد شهید بود که قدرت وحدت ملی و انسجام اجتماعی و اتحاد مقدس را به نمایش گذاشت.

در بعد عاطفی – اعتقادی این حضور، تجلی پیوند ناگسستی امت با «ولایت» به عنوان ستون خیمه نظام اسلامی است. مردم آگاهانه برای نهاد ولایت ققیه و نماد استمرار انقلاب اسلامی، استقامت در برابر استکبار و تجسم حکمت و تدبیر دینی، هم سوگواری کردند و هم حماسه آفریدند. این نشان داد که رابطه امت و رهبری و وفاداری نسل‌ها، فراتر از ارتباط سیاسی متعارف است و شاهد «پیوند ایمانی و عاطفی ریشه‌دار در عمق جان‌ها» هستیم.

این تجمعات عظیم در بعد سیاسی – هویتی، «اعلام موجودیت تمدنی» و «اعلامیه سیاسی پُرتین» به تمامی محاسبه‌گران منطقه‌ای و جهانی با پیامی واضح بود که ملت ایران، با هویت اسلامی – انقلابی و خود، چنان در هم تنیده شده‌اند که فقدان بزرگ‌ترین نمادهایشان، نه تنها آنان را منفصل نمی‌سازد، که همبستگی، هوشیاری و عزم آنان را برای حفظ دستاوردها مضاعف می‌نماید. این حرکت، قدرت ملی ایرانیان و تاب‌آوری بی‌نظیر آنان را به رخ جهانیان کشید و در عمل، توطئه‌های دشمنان و انداب داخلی آنان برای ضربه زدن به انسجام نظام مقدس جمهوری اسلامی را خنثی و بی‌اثر ساخت. این حضور، «مرزهای هویتی ملت» را برای همیشه تاریخ با بازیگران داخلی و خارجی مجدداً ترسیم کرد.

در بعد اجتماعی – روان‌شناختی آنچه در خیابان‌ها و میدان‌ها رخ داد، «فرآیند خودسازمان‌دهی اجتماعی» و خلق سرمایه اجتماعی بی‌نظیر بود. نظم، خلوص، احساس مسئولیت متقابل و انضباطی که در غیاب دستورالعمل‌های اجرایی متعارف بروکراتیک مشاهده شد، حاکی از وجود «سرمایه اجتماعی عظیم و انباشته» در متن جامعه است. این سرمایه، متکی بر اعتماد عمومی، احساس تعلق جمعی و اشتراک در سرنوشت مشترک است که در طول سال‌های تتمدادی انقلاب و دفاع مقدس شکل گرفته و اینک در آزمون سخت، خود را نمایانده است. حفظ و صیانت از این وحدت و انسجام مقدس، به عنوان سرمایه راهبردی نظام، وظیفه‌ای همگانی است که نباید به دست فراموشی سپرده شود.

این حضور عظیم، «میدان‌داری» هدفمند و استراتژیک بود که فواید و دستاوردهای متعددی را برای نظام و امت به ارمغان آورد. از جمله این فواید می‌توان به حمایت بی‌چون و چرای مردم از رزمندگان اسلام و نیروهای مسلح به عنوان خط مقدم دفاع مقدس در برابر تمامی تجاوزات اشاره کرد. این حمایت، پشتوانه‌ای معنوی و عملی برای مدافعان حرم امنیت ملی است.

بایسته اصلی پس از این میدان‌داری تاریخی، حفظ و تقویت این دستاوردها و تبدیل آن به نیروی محرکه‌ای پایدار در تمام عرصه هاست.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (مدّ ظله‌العالی)، با بینشی ژرف و آینده‌نگر و با مفهوم‌سازی راهبردی، در ادامه تأکید رهبر شهید بر مفهوم «بعثت مردم» تأکید فرمودند. این تعبیر، کلید تحلیلی برای فهم عمق این رخداد است.

و السّلام علی عبادالله الصّالحین

محبوبیت گسترده مردمی امام صادق (ع) فضا را برای گسترش معارف ایجاد کرد



معاندان و حتی دشمنان، الگویی از آرامش و رفتار کریمانه ارائه کردند. حلم ایشان سبب شد بسیاری از سوء تفاهم‌ها برطرف شود و مخالفان، مجذوب صداقت و بزرگواری امام گردند.

در نهایت، شاید مهم‌ترین ویژگی شخصیت امام صادق (ع) توانایی ترکیب علم عمیق با اخلاق والا باشد؛ ترکیبی که توانست مکتبی ماندگار، پویا و عقلانی بسازد و تا امروز بر زندگی میلیون‌ها انسان اثر بگذارد.

«چرا دوره امام صادق (ع) در میان سایر ائمه دوران «طلایی نشر معارف» شناخته می‌شود؟

دوران امام صادق (ع) از آن جهت «طلایی نشر معارف» نام گرفته که شرایط تاریخی خاصی فراهم شد تا امام بتواند گسترده‌ترین فعالیت علمی را در میان همه ائمه (ع) انجام دهد. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر ضعف و افول حکومت بنی‌امیه و گذار قدرت به بنی‌عباس بود که باعث شد مدتی فضای نسبتاً بازتری برای فعالیت‌های علمی به‌وجود آید. این فرصت کوتاه اما تاریخی، بستری شد برای بنیان‌گذاری بزرگ‌ترین مدرسه علوم اسلامی.

در این دوره، جامعه اسلامی با سوجی از پرسش‌ها و چالش‌های فکری روبه‌رو شده بود. ترجمه آثار یونانی و رشد جریان‌های فلسفی، مباحث کلامی را پیچیده‌تر کرده بود. همچنین فرقه‌های مختلف مانند معتزله، مرجئه و خوارج در حال تقویت بودند و مردم نیازمند مرجعی مطمئن برای پاسخ به سوالات و رفع شبهات بودند. امام صادق (ع) با جامعیت علمی خود توانستند پاسخ‌های دقیق، منطقی و منسجم ارائه کنند و جریان معرفتی اسلام را سامان دهند.

فلسفی جدیدی در جامعه مطرح می‌گردید. امام صادق (ع) با احاطه کامل به علوم گوناگون، پاسخ‌هایی دقیق و راهگشا ارائه می‌کردند و شاگردانی تربیت کردند که در مواجهه با جریان‌های فکری جدید توانمند باشند. از نظر دینی نیز جامعه به‌شدت دچار اختلافات شده بود. حکومت‌ها برای مشروعیت‌بخشی به خود، احادیث جعلی تولید می‌کردند. همین امر ضرورت وجود مرجعیت علمی اصیل را دوچندان می‌کرد. امام صادق (ع) به‌عنوان امام علم و معرفت، با اصالت‌بخشی به حدیث صحیح و تبیین دقیق معارف، نقش بنیادینی در حفظ میراث نبوی ایفا کردند. در مجموع زندگی امام صادق (ع) در نقطه عطفی از تاریخ اسلام واقع شد؛ دوره‌ای که تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی به اوج رسیده بود و امام توانست با بهره‌گیری از این فرصت بی‌نظیر، پایه‌های علمی و فکری مذهب اهل‌بیت را تثبیت و تقویت کند.

«مهم‌ترین ویژگی شخصیتی امام صادق (ع) از نگاه شما چیست؟

از نگاه بسیاری از پژوهشگران و مورخان، مهم‌ترین ویژگی شخصیتی امام صادق (ع) جامعیت شخصیت ایشان است؛ یعنی ترکیب شگفت‌انگیز علم، زهد، اخلاق، تواضع، صلابت، و توان رهبری اجتماعی. این جامعیت باعث شد که امام بتوانند در دوره‌ای پیچیده و پر آشوب هدایت جامعه را برعهده بگیرند و مکتبی ماندگار بنا کنند.

یکی از برجسته‌ترین ابعاد شخصیت امام، عقلانیت و رویکرد علمی ایشان بود. امام صادق (ع) عقل را حجت درونی انسان معرفی می‌کردند و همواره پیروان خود را به تفکر، تأمل و پرسشگری دعوت می‌نمودند. این نگاه سبب شد مکتب علمی ایشان بر پایه خردورزی و استدلال بنا شود و از جمود فکری فاصله بگیرد. همین ویژگی بود که سبب جذب دانشمندان بزرگ زمانه به سوی ایشان شد.

تواضع کهن‌نظیر امام نیز از ویژگی‌های مهم ایشان بود. با وجود جایگاه علمی و معنوی بسیار والا، امام با همه مردم با احترام، مهربانی و بردباری رفتار می‌کردند. روایت‌های فراوانی نقل شده که نشان می‌دهد امام در برابر حتی مخالفان خود با اخلاق نیکو و حلم برخورد می‌نمودند. این رفتار باعث شد دل‌های بسیاری مجذوب ایشان شود.

در کنار تواضع، صلابت و استواری امام در برابر ظلم مثال‌زدنی بود. ایشان نیازمندان کمک می‌کردند، بلکه شأن انسانی آنان را پاس می‌داشتند. این رویکرد، وجهه اجتماعی امام را بسیار تقویت کرد و پیروان ایشان را در میان مردم محبوب‌تر ساخت.

ویژگی دیگر امام صادق (ع) توانایی تربیت شاگردان برجسته بود. ایشان با نگاهی دقیق به شخصیت، استعداد و نیاز جامعه، شاگردانی تربیت کردند که هر کدام در حوزه‌های مختلف نقش‌آفرین شدند؛ از فقه و حدیث گرفته تا شیمی، طب، کلام و فلسفه. این مهارت تربیتی نشان‌دهنده عمق شخصیت و وسعت اندیشه امام بود.

حلم و بردباری امام نیز زبانزد است. ایشان در مواجهه با جاهلان،

در دل یکی از پرتلاطم‌ترین دوره‌های تاریخ اسلام، امام جعفر صادق علیه‌السلام به‌عنوان چهره‌ای ماندگار و تأثیرگذار ظهور کردند؛ دوره‌ای که گذار از حکومت بنی‌امیه به بنی‌عباس، جامعه را در فضایی از بحران‌های سیاسی، آشوب‌های اجتماعی و تنوع گسترده جریان‌های فکری قرار داده بود. این شرایط ویژه، هم تهدیدی جدی برای حقیقت دین بود و هم فرصتی استثنایی برای تبیین معارف اصیل اسلامی. بر همین اساس برای واکاوی آن دوران با حجت الاسلام رضا غلامی قائم مقام بنیاد هدایت به گفتگو پرداختیم که حاصل آن در ادامه تقدیم مخاطبان می‌شود.

«امام صادق (ع) در چه شرایط تاریخی و اجتماعی‌ای زندگی می‌کردند؟

امام صادق (ع) در یکی از پر آشوب‌ترین دوران‌های تاریخ اسلام زندگی می‌کردند؛ دوره‌ای که در آن حکومت بنی‌امیه رو به زوال بود و بنی‌عباس در تلاش برای شکل‌دادن به قدرت جدید خود بود. این جابه‌جایی قدرت، فضای بی‌ثبات و آشفتگی ایجاد کرده بود که از یک سو با ضعف حکومت اموی همراه بود و از سوی دیگر با خشونت سیاسی عباسیان. این وضعیت فرصت‌ها و تهدیدهایی را هم‌زمان برای امام فراهم ساخت.

در سال‌های پایانی حکومت بنی‌امیه، جامعه اسلامی درگیر جنگ‌های داخلی، قیام‌های فراوان و اختلافات قبیله‌ای بود. مردم از ظلم، تبعیض و ناتوانی امویان در اداره جامعه خسته شده بودند. این شرایط باعث نارضایتی گسترده و آماده شدن زمینه برای رشد جریان‌های فکری و سیاسی متنوع شد. در چنین وضعی، امام صادق (ع) تلاش می‌کردند حقیقت دین را از میان انحرافات سیاسی و عقیدتی بیرون بکشند.

با روی کار آمدن عباسیان، ابتدا آمیدی برای بهبود شرایط ایجاد شد، اما خیلی زود مشخص شد که آن‌ها نیز همان مسیر ظلم و اقتدارگرایی را ادامه می‌دهند. عباسیان از گسترش علمی و محبوبیت اجتماعی امام صادق (ع) بیم داشتند و تلاش می‌کردند ایشان را تحت کنترل قرار دهند. اما گستردگی نفوذ امام چنان بود که محدودیت‌های سیاسی نتوانست مسیر علمی ایشان را متوقف کند.

از منظر اجتماعی، جامعه در آن زمان با تضادهای طبقاتی شدید مواجه بود. حکومت‌ها ثروت را در دست گروه‌های محدود نگه می‌داشتند و مردم عادی در شرایط دشوار زندگی می‌کردند. همین فشارها باعث شده بود توجه مردم به سوی شخصیت‌های معنوی و علمی همچون امام صادق (ع) جلب شود. امام با رفتار کریمانه و دانش گسترده خود پناهگاه فکری و معنوی مردم بود.

از نظر فرهنگی، دوران امام صادق (ع) زمانه‌ای بود که مذاهب مختلف، فرقه‌های کلامی، و جریان‌های فلسفی در حال شکل‌گیری یا گسترش بودند. مکتب‌هایی مانند معتزله، مرجئه، خوارج و حتی جریان‌های فکری غیرمسلمان وارد بحث‌های معرفتی شده بودند. این تنوع موجب ایجاد فضایی برای گفتگوهای علمی جدی شد. امام صادق (ع) نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت این مباحث و جلوگیری از انحرافات فکری داشتند.

در کنار این مسائل، نهضت ترجمه در جهان اسلام در حال شکل‌گیری بود. آثار یونانی، ایرانی و هندی به عربی ترجمه می‌شد و پرسش‌های



پساجنگ ومعادلات تازه قدرت

سید هادی ساجدی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، در یادداشتی از پیروزی بلامنازع ایران پس از آتش‌بس، چهار جبهه نظامی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی را به‌عنوان میدیان سرنوشت‌ساز در نظم جدید قدرت معرفی کرد. وی با اشاره به تجربه بی‌نظیر مقابله با تکنولوژی نظامی آمریکا و فرصت تاریخی رفع تحریم‌ها، معتقد است ایران اکنون به بازیگری موثر در فرهنگ و دیپلماسی جهان تبدیل شده، اما برای تثبیت این شکوفایی، نیازمند اصلاحات ساختاری و نوسازی در عرصه اجتماعی و سیاسی داخلی است.

مهم‌ترین خبرگزاری‌ها و رسانه‌های بین‌المللی را به طور دائم رصد می‌کردم. معلوم بود اتفاقات مهمی در حال رخ دادن است. تا سحر که خبرهای موقتی از آتش‌رس دو هفته‌ای منتشر شد. اگر همان‌طور که در ظاهر، پیشنهاد ۱۰ ماده‌ای ایران پذیرفته شده، در عرصه دیپلماسی و تدوین اسناد معتبر بین‌المللی با مصوبه الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل هم اتفاق بیافتد و آمریکایی‌ها دوباره فریب جدیدی رو نکنند، قطعا پیروزی بزرگ و بلامنازع ایران برای همگان روشن است. اما هدف اصلی متن اشاره به چهار عرصه مهم جهان پس از جنگ است.

چهار عرصه مهم در جهان پس از جنگ وجود دارد که می‌تواند شاهد تغییرات جدی و اثرگذاری باشد. تغییرات در دو عرصه اول یعنی عرصه نظامی و اقتصادی تغییراتی قهری و شگفت‌انگیز خواهند بود. تغییرات در عرصه اجتماعی و سیاسی محل تردید و نگرانی است که باید جدی گرفته شود و می‌تواند پاشنه آشیل جمهوری اسلامی گردد. چهارمین عرصه به ارتباطات و تعاملات بین‌المللی برمی‌گردد که بسیار جای امیدواری دارد که جمهوری اسلامی عملاً تبدیل به یک بازیگر موثر بین‌المللی نه تنها در سطح ساختارهای سیاسی و رسمی، بلکه در سطح فرهنگ عمومی و اجتماعی و دانشگاهی جهان شود.

اول: عرصه نظامی

جنگ تحمیلی هشت ساله دستمایه جدی برای پیشرفت و رشد شگفت‌آور نظامی برای ایران در حوزه‌های مختلف موشکی، پهپادی، جنگ الکترونیک و غیره شده، اما موشک‌ها و پهپادها و تجهیزات بومی تولید شده در دهه‌های گذشته هیچ گاه به صورت کاملاً جدی و واقعی مورد استفاده و به‌کارگیری واقع نشد. هر چند در مقاطعی مثل مبارزه با داعش و یا جنگ اوکراین برخی مورد آزمایش قرار گرفتند، اما این تجربه سنگین استفاده از قدرت نظامی بومی، موجب شناخت نقاط قوت و ضعف و زمینه‌سازی برای توسعه و پیشرفت چند برابری آنها را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، هیچ کشوری در این سال‌ها چنین تجربه مستقیمی از مواجهه با پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های نظامی دنیا که در اختیار ارتش آمریکااست را نداشته است. تسلط بر نقاط قوت و ضعف تجهیزات بومی و تسلیحات آمریکایی زمینه‌ای قهری برای جهش ایران در عرصه نظامی در عصر پسا جنگ را رقم خواهد زد.

دوم: عرصه اقتصادی

اگر آن‌گونه که در پیشنهاد ده ماده‌ای ایران پیش‌بینی شده است، ایران بتواند با مصوبه قطعی شورای امنیت همه تحریم‌های اولیه و ثانویه را کنار زده و علاوه بر آن درآمد حاصل از کنترل تنگه هرمز را نیز به دست آورد، چیزی قریب به ۲۰ درصد بر درآمدهای خالص ایران خواهد افزود. در این صورت تغییرات اقتصادی و گشایش‌های فراوانی به طور قهری در جامعه رخ خواهد داد. به‌ویژه اینکه، از ساعات اولیه اعلام آتش‌بس، شرکت‌ها و پالایشگاه‌های بزرگی تقاضای خرید نفت ایران را رسماً اعلام کرده‌اند، چرا که با مدیریت ایران بر تنگه هرمز، نفت ایران به امن‌ترین نفت غرب آسیا بدل خواهد شد که در صورت بروز حوادث مشابه فروشش استمرار خواهد داشت.

سوم: عرصه اجتماعی و سیاسی

بر خلاف تغییرات و پیشرفت‌های نظامی و اقتصادی که به نظر می‌رسد به صورت قهری در جهان پس از جنگ رخ خواهد داد، تغییرات سیاسی و اجتماعی داخلی منوط به تصمیمات مقامات ارشد و مسئولان بلندپایه نظام است. ایران در سال‌های اخیر از استمرار و حل‌نشدن برخی مسئله‌های اجتماعی داخلی رنج برده است. مسائلی چون رانت‌خواری برخی نزدیکان به قدرت، ضرورت بروزرسانی برخی نهادها و سازمان‌های کلان رسانه‌ای، اقتصادی و رفاهی متناسب با نیازها و اقتضات جدید اجتماعی، مصلحت‌سنجی‌های مضر و گاهی فزاکردن مصلحت نظام به‌خاطر حفظ افراد، ایجاد ساختارهای رسمی پذیرش اعتراضات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ایجاد اصلاحات واقعی متناسب با آنها و یا نهادینه کردن الگوهای پذیرش تکرر اجتماعی و سیاسی، از جمله مواردی است که نظام جمهوری اسلامی در دوران پیروزی پرافتخار پس از جنگ باید به صورت جدی برای آنها الگوهای بومی و اصلاحات متناسب با اسناد بالادستی فراهم آورد. جمهوری اسلامی به همه جهان نشان داده که از ساختار اجتماعی و سیاسی بسیار توانمند و ویژه‌ای مبتنی بر رابطه امام و امت برخوردار است که آن را به تنها کشور دارای جسارت مقابله با ابرقدرت‌های جهان تبدیل کرده است، اما این توانمندی باید در جریان ساختارها و نهادهای مدیریت داخلی جامعه نیز بیش از پیش جریان یافته و به الگوهای پایدار تبدیل شوند.

کنشگری فعال، ماموریت جامعه قرآنی در جنگ رمضان است



حجت الاسلام حمیدرضا ارباب سلیمانی، معاون وزیر و رئیس مرکز عالی قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دیدار با کارکنان این مرکز با اشاره به جنگ رمضان و هجوم ناجوانمردانه دشمنان جنایتکار و کودک کش به سرزمین مقدس ایران اسلامی، شهادت رهبر معظم انقلاب و پدر دلسوز امت اسلام و آزادگان جهان، حضرت آیت الله سید علی حسینی خامنه‌ای(ره)، را تسلیت گفت و افزود: داغ نبود مولا و رهبر شهید انقلاب اسلامی، در دل‌ها ماندگار است و هرگز این داغ سنگین؛ از قلوب مومنان واقعی و فرزندان خمینی کبیر زوده نخواهد شد.

وی گفت: شهادت سرداران سرافراز سپاه پاسداران، سیاست‌مدارانی همچون شهید دکتر علی لاریجانی و کمال خرازی که در عرصه سیاست و دفاع از حریم کشور جان خود را فدا کردند و همچنین داغ کودکان مظلوم شجره طلیه میناب و مردم بیگناه کشورمان که مظلومانه به شهادت رسیدند هرگز از خاطر مردم عزیز ایران و انسان‌های آزاده جهان محو و پاک نخواهد شد. امیدوارم خداوند جمیع شهدای جنگ رمضان را با شهدای دشت کربلا محشور نماید و خداوند متعال به ما توفیق ادامه راه آن شهدای والا مقام و بزرگوار را عنایت فرماید.

رئیس مرکز عالی قرآن و عترت گفت: همان‌طور که می‌دانید هنگامی که خون شهیدی بر زمین ریخته می‌شود بار مسئولیت رهروان و بازماندگان، بیشتر می‌شود. این طور نیست که با رختن شهدای عزیز

ماموریت تمام و مسئولیت از گردن ما سلب شود بلکه وظیفه و مسئولیت ما با رختن هر شهید سنگین تر و بیشتر می‌شود. امیدواریم در سایه لطف بیکران پروردگار عالم، با برنامه‌ریزی صحیح و هدفمند و داشتن سعه صدر، ایمان راسخ، قوت و اقتدار بیشتر بتوانیم راه شهدای عزیزمان را ادامه بدهیم. ان شاءالله به فضل الهی نصرت، پیروزی و فتح نهایی نزدیک است.

معاون قرآنی وزیر در ادامه به هیات اعزامی به پاکستان جهت مذاکره و دیپلماسی برای پایان دادن جنگ و خیانت‌های دشمن علیه ایران اشاره کرد و افزود: برای موفقیت نمایندگان جمهوری اسلامی ایران که در این نشست حساس شرکت دارند، دعا می‌کنیم و از درگاه الهی تمنا داریم در این مذاکرات همان طور که تا الان دست برتر با جمهوری اسلامی ایران بوده است، نتایج مذاکرات بار دیگر برتری این نظام را در جهان آشکار و تثبیت نماید.

وی افزود: این وعده الهی است و خداوند آمریکای جنایتکار و اسرائیل غاصب را که از استکبار و زیاده خواهی دست برنمی‌دارند به مجازاتی سخت گرفتار خواهد کرد و مظلومان را از شر آنان رهایی خواهد بخشید. حجت الاسلام حمید رضا ارباب سلیمانی خطاب به مدیران و کارکنان خدوم مرکز عالی قرآن و عترت که با مقاومت و صبر فراوان، جنگ تحمیلی رمضان را پشت سر گذاشتند، گفت: بی تردید حضور زیبا و



آیا طرح «محاصره دریایی» ترامپ پای چین را به جنگ بازمی‌کند؟

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا بالافاصله پس از شکست در مذاکرات اسلام آباد، مقاله‌ای را در صفحات اجتماعی به اشتراک گذاشت که در آن «محاصره دریایی» ایران به سبک ونزوئلا را مطرح کرد.

پایگاه خبری المیادین در مطلبی ضمن بررسی عوامل شکست طرح جدید ترامپ در قبال ایران می‌نویسد که این مقایسه فاقد عناصر تحلیل جغرافیایی است: ونزوئلا و کوبا کشورهای کارائیبی هستند که از نظر جغرافیایی محاصره شده‌اند و عمیق زمینی جایگزین ندارند و صادرات و مسیرهای حیاتی آنها تنها متکی به دریایی است که واشنگتن بر آن تسلط دارد در مقابل، ایران دارای مرزهای زمینی با هفت کشور و عمیق اوراسیایی حیاتی است که تا چین، روسیه، پاکستان و آسیای مرکزی امتداد دارد و در طول جنگ، کارایی مسیرهای زمینی تدارکاتی از طریق پاکستان برای انتقال تسلیحات چینی را با دور زدن مسیرهای دریایی اثبات کرده است.

علاوه بر این، ایران بر تنگه‌ای که قرار است از طریق آن محاصره شود، تسلط دارد. ایران سواحلی به طول ۲۵۰۰ کیلومتر در خلیج فارس و دریای عمان هرمز دارد که با تونل‌ها، غارها، موشک‌ها، هواپیماها و زیردریایی‌های بدون سرنشین مستحکم شده است. این تسلیحات، محاصره آمریکایی را به یک قمار خطرناکی تبدیل می‌کند که کمتر از خود جنگ نیست.

چرا مذاکرات اسلام آباد شکست خورد؟ واقعیت‌های میدانی، سیاسی و اقتصادی امکان ارزیابی تحولات در مذاکرات اسلام‌آباد را فراهم می‌کند. این تنها دور اول مذاکرات بود و در حالی که ایران صراحتاً اعلام کرد که انتظار دستیابی به توافق در یک جلسه را نداشته و دیپلماسی هرگز به پایان نمی‌رسد، اما این واشنگتن بود که در تصمیم‌گیری عجله کرد و معاون خود را با اختیارات گسترده فرستاد و «پیشنهاد نهایی» خود را از همان دور اول مطرح کرد. این عجله نشان‌دهنده اعتماد نیست، بلکه فشار زمان و هزینه‌های فراینده و نیاز مبرم به یک راه حل سیاسی قبل از فرسایش اقتصادی و نظامی کشنده در آمریکا که منجر به یک بحران انتخاباتی غیرقابل کنترل شود، کار را برای ترامپ و مذاکرات سخت تر کرد.

شکاف‌ها در داخل آمریکا به طور بی‌سابقه‌ای عمیق‌تر می‌شود، رئیس ستاد ارتش قبل از شروع جنگ علناً در مورد خطرات آن هشدار داد و ترامپ او را به همراه هر کسی که با نظر او موافق بود، برکنار کرد. اعضای کنگره آمریکا نیز در جلسات توجیهی در مورد اهداف جنگ و ابزارهای پایان دادن به آن قانع نشده بودند. مهمتر از همه اینکه آمریکا شاهد بزرگ‌ترین موج اعتراضات ضد جنگ از زمان جنگ ویتنام بود و حتی جنبش «ماکا» که پایگاه مردمی محکم ترامپ است، علیه جنگ وی شورش و اعلام کرد که این جنگ اقتصاد را تحلیل می‌رد و به نفع رژیم صهیونیستی و به ضرر آمریکایی‌ها است. این شرایط، موقعیت مذاکراتی واشنگتن را بیش از هر شکست میدانی تضعیف کرد.

در مقابل، جبهه داخلی ایران تمام محاسبات دشمن آمریکایی و صهیونیستی در مورد فروپاشی داخلی را به شکست کشاند و در این کشور به جای هرج و مرجی که ترامپ و نتانیاهو انتظار آن را می‌کشیدند و خواستار آن بودند، راهپیمایی‌های میلیونی گسترده در شهرها و رنجبره‌های انسانی عظیم برگزار شد که همچنان ادامه دارد. بسیاری از ایرانیان خارج نشین برای مشارکت در دفاع از کشور، به خاک مهن بازگشتند و حتی طیف‌هایی از مخالفان داخلی که برای سرنگونی ایران روی آنها حساب می‌شد، در تظاهرات شرکت کردند. این انسجام ملی فوق‌العاده، با وجود شهادت بیش از ۳ هزار شهروند و تخریب گسترده زیرساخت‌ها، عمق تمردی از ساختار ملی ایران را نشان می‌دهد که با بمباران نمی‌توان آن را شکست داد.

توازن قوا در ادامه جنگ به نفع کیست؟

فرسایش نظامی آمریکا با سرعتی غیرقابل تحمل ادامه دارد. پایگاه‌های آمریکایی مستقر در منطقه مورد حملاتی قرار گرفتند که تعداد زیادی از آنها را از خدمت فعال خارج کرد. رسیدن نیروهای کمکی جدید به آنها نیز به معنای بازگرداندن توانایی نیست، بلکه به معنای اهداف آشکارتر در برابر زرادخانه موشکی و هواپیماهای بدون سرنشین ایران است که توانایی خود را در هدف قرار دادن تورت‌ترین و مستحکم‌ترین پایگاه‌های آمریکا «بیا دقت شگفت انگیز» اثبات کرده‌اند.

ذخایر حیاتی موشک‌های پاتریوت و تاد و مهمات دقیق با سرعتی بیش از آنچه اوکراین در چهار سال مصرف کرده بود، به اتمام رسید. واشنگتن هواپیماها، رادارها و سامانه‌های دفاع هوایی را در شرایطی از دست داد که جبران آن به سال‌ها زمان نیاز دارد. در جبهه لبنان، رژیم صهیونیستی در دام فرسایش نظامی و سیاسی افتاده است. ارتش اسرائیل با وجود هفت‌هفته عملیات زمینی، هنوز قادر به رسیدن به رودخانه لیتانی نیست و روزانه در شهرهای مرزی در برابر مقاومت حزب‌الله متحمل خسارات می‌شود. مقاومت ثابت کرده جنگ گذشته توانایی‌های آن را از بین نبرده است، از نظر سیاسی، لغو آتش‌ریس توسط نتانیاهو با کشتار فجیع در لبنان، او را در برابر جهان به عنوان مانع اصلی هرگونه توافق نشان داد و موضع حزب الله را به عنوان یک نیروی دفاعی مشروع که به نقض‌های مداوم آتش‌ریس پاسخ می‌دهد، تقویت کرد.

چرا دست و پا زدن‌های ترامپ در تنگه هرمز بیهوده است؟



ایجاد کرد با عنوان: امنیت برای همه یا هیچ کس. مشکل اصلی این اقدام آمریکا این است که با واقعیت متفاوتی که تهران تحمیل کرده است، تلاقی می‌کند؛ واقعیتی که نشان‌دهنده تلاش ایران برای بازتعریف مکانیسم عمل در خود تنگه هرمز است و نه فقط دفاع از آن.

همانطور که مشخص بود، از ابتدای جنگ، ایران تصمیم به بستن کامل تنگه هرمز نداشته است، بلکه سیاست دقیق تری را اتخاذ کرد که بر اساس آن محدودیت عبور کشتی‌های مرتبط با ایالات متحده و متحدانش را در نظر گرفته و در عین حال ترافیک ناوبری را برای بقیه کشورها تحت شرایط خاص حفظ می‌کند. به عبارت دیگر، تهران با تحمیل یک معادله جدید بر اساس یک اصل روشن، با تنگه هرمز به عنوان بخشی از اصلاح قوانین دائمی تعامل در منطقه برخورد می‌کند: «آزادی دریانوردی مطلق نیست، بلکه مشروط به امنیت، حاکمیت و رفتار طرف‌های دیگر است».

در این زمینه و در واکنش به اعلام ترامپ درباره محاصره دریایی، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس ایران، با اشاره به توانایی ایران برای تأثیرگذاری بر بازار جهانی انرژی، به پیامدهای مستقیم اقتصادی در خیابان‌های آمریکا اشاره کرد و خواستار لذت بردن آمریکایی‌ها از قیمت‌های فعلی شد؛ زیرا دیگر این قیمت‌ها را نخواهند دید.

همچنین دکتر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران هم به نوبه خود اعلام کرد که کشورش با حسن نیت وارد مذاکرات شد، اما با تغییر مستمر اهداف و زیاده‌خواهی بیش از حد طرف آمریکایی مواجه شد که این روایت تهران را تقویت می‌کند که واشنگتن به دنبال دیکته کردن خواسته‌های خود است، نه توافق.

در میدان هم، موضع قرارگاه خاتم الانبیاء روشن‌تر بود و تأکید می‌کرد که تنگه هرمز در حیطه حاکمیت ایران است و عبور و مرور کشتی‌ها تحت کنترل نیروهای مسلح خواهد بود و از عبور کشتی‌های دشمن جلوگیری می‌شود و بقیه کشتی‌ها تحت شرایط خاص مجاز به عبور هستند.

محاصره در محاصره؛ یک گام فشار یا یک ماجراجویی محدود؟

علت اینکه بسیاری در جهان اقدام آمریکا در محاصره تنگه هرمز را به سخره گرفته‌اند، این است که ایالات متحده یک تنگه باز را محاصره نمی‌کند، بلکه عملاً در تلاش است تا یک محاصره موجود را دور بزنند. به‌طور دقیق‌تر، واشنگتن با هدف قرار دادن کشتی‌هایی که به سمت ایران می‌روند یا از ایران خارج می‌شوند و پس از ناتوانی در شکستن محدودیت‌های اعمال‌شده در تنگه هرمز توسط ایران، و گسترش دامنه فشار در خارج از خود تنگه، به دنبال تحمیل «محاصره در محاصره» است.

در ادامه تحلیل‌های مربوط به پرونده تنگه هرمز و تلاش‌های ناکام دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای خروج از این باتلاق که برای خودش ساخته، المیادین در مقاله‌ای به بررسی دلایل و ابعاد شکست برنامه‌های آمریکا برای تحمیل شروط خود پرداخته که شرح این مقاله به شکل زیر است:

معادله ایران با عنوان «بنادر در برابر بنادر»

نیروهای مسلح ایران روز دوشنبه در واکنش به اعلام دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر محاصره تنگه هرمز، معادله‌ای را وضع کردند که فراتر از مرزهای خود این آبراه است با عنوان: «بنادر در برابر بنادر».

بر اساس این معادله، تهران دایره را گسترش داد تا کل زیرساخت‌های دریایی در خلیج فارس و دریای عمان را در بر گیرد و به وضوح اعلام کرد که امنیت بنادر بخشی از معادله بازراندگی جامع بوده و یا برای همه است یا برای هیچکس.

در اینجا سوالی که مطرح می‌شود آن است که در مقابل این تحول جدید، آمریکا در برابر معادله ایرانی که به بنادر و کل منطقه گسترش یافته است، تا چه اندازه می‌تواند معادله خود را در تنگه هرمز تحمیل کند؟

دست و پا زدن‌های ترامپ برای خروج از باتلاق تنگه هرمز

می‌توان گفت که اعلامیه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر محاصره دریایی تنگه هرمز، تغییر ناگهانی در مسیر جنگ با ایران نبود؛ جنگی که با تحریم‌های حداکثری از سال‌های قبل آغاز شد، سپس جنگ ۱۲ روزه، بعد از آن ایجاد آشوب و فتنه در داخل ایران و به دنبال آن تهدید ناوهای هواپیمابر و کشتی‌های جنگی برای آغاز حمله‌ای گسترده.

در نهایت تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران که ۴۰ روز به طول انجامید، امتداد تلاش برای فشار نظامی و سیاسی مستمر و درواقع آخرین کارت ضد این کشور بود که هیچ یک از اهداف برنامه‌ریزی شده متجاوزان در آن محقق نگشت.

پس از یک دور طولانی مذاکرات که چند روز پیش در اسلام آباد انجام شد و ۲۱ ساعت به طول انجامید و به تدوین تفاهم اولیه در مورد چارچوب نزدیک شد، ایالات متحده پس از ناکامی در دستیابی به یک پیشرفت قاطع، در سایه پایبندی ایران به شرایطی که تهران آن را ضروری می‌داند، به تشدید ابزارهای فشار خود از طریق خطوط دریایی بازگشت.

بنابراین، اعلام محاصره دریایی نشان دهنده ناتوانی آشکار در تحمیل شرایط آمریکا به ایران روی میز گفتگو بود. واشنگتن که توانست ایران را تحت سلطه خود درآورد، معتقد است که از نظر سیاسی نیز در گرفتن امتیاز ناکام است، بنابراین به کارت خطوط دریایی متوسل شده تا کارت فشار گمشده را پیدا کند.

توجه داشته باشید که ترامپ قبل از اینکه امروز محدودیت‌های بیشتری بر حرکت کشتی‌ها در تنگه هرمز اعمال کند، متعهد شده بود که تنگه هرمز را باز کند و آزادی دریانوردی را در آن تضمین کند؛ در تناقضی آشکار که نشان‌دهنده سردرگمی واشنگتن در مدیریت بحران است.

شواهد کاملاً نشان می‌دهد که واشنگتن پس از سال‌ها هنوز قادر به درک ماهیت تصمیم تهران و نحوه مدیریت مناقشه چه در سطح نظامی و چه در سطح مذاکره نیست. این توضیح می‌دهد که چرا ایرانی‌ها این حرکت آمریکایی‌ها را غافلگیرکننده تلقی نکردند، بلکه مواضع آنها تأیید می‌کرد که آنها انتظار این مسیر را داشتند.

وال استریت ژورنال: عربستان از ترامپ خواسته که تنگه هرمز را محاصره نکند

معادله ایران: امنیت یا برای همه یا هیچکس

در طول جنگ نظامی و پس از آن، ایران معادله‌ای را در تنگه هرمز



ارتش اسرائیل در باتلاق «بنت جبیل»

■ در جغرافیای جنگ، برخی نقاط صرفاً یک موقعیت نظامی نیستند؛

بلکه به نماد تبدیل می‌شوند. بنت‌جبیل یکی از همین نقاط است؛ شهری کوچک در جنوب لبنان که نامش از سال ۲۰۰۰ و به‌ویژه پس از جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶، با مفهومی فراتر از یک مختصات جغرافیایی گره خورده است: مقاومت. امروز نیز با گذشت سال‌ها، همان شهر بار دیگر به کانون تمرکز ارتش اسرائیل تبدیل شده؛ مرکزی که بیش از آنکه صرفاً نظامی باشد، ریشه در یک عقده تاریخی و روانی دارد.

شعار «وهن من بیت العنکبوت» که از بنت‌جبیل در ذهنیت اسرائیلی نقش بست، هنوز سایه خود را بر محاسبات تل‌آویو انداخته است. این شعار نه فقط یک جمله تبلیغاتی، بلکه یک ضربه به اعتماد به نفس ارتشی بود که خود را شکست‌ناپذیر می‌دانست. از همین رو، بازگشت به بنت‌جبیل، برای اسرائیل تلاشی است برای بازسازی همان هیبت از دست‌رفته؛ و برای مقاومت، فرصتی برای تثبیت دوباره همان معادله.

در یک هفته اخیر، تحولات میدانی در جنوب لبنان نشان می‌دهد ارتش ارتش اسرائیل وارد فاز جدیدی از عملیات زمینی شده که بر «محاصره تدریجی، تثبیت مواضع و پیشروی فرسایشی» تمرکز دارد. کانون اصلی این عملیات، شهر بنت‌جبیل و محاصره کامل آن است؛ شهری در فاصله حدود ۴ کیلومتری مرز فلسطین اشغالی که از جنگ ۲۰۰۶ به‌عنوان «پایتخت مقاومت» و نماد ایستادگی حزب‌الله شناخته می‌شود. اهمیت این شهر برای اسرائیل صرفاً میدانی نیست، بلکه دارای وزن روانی و راهبردی در معادله نبرد نیز هست. ارتش اسرائیل اعلام کرده که ورزشگاه بنت جبیل در جنوب لبنان، جایی که پیشتر سید حسن نصرالله، دبیرکل فقیه حزب‌الله لبنان در آنجا سخنرانی کرده بود، را ویران کرده است.

تحولات یک هفته اخیر در جنوب لبنان نشان می‌دهد که ارتش اسرائیل وارد فاز تازه‌ای از عملیات زمینی شده است؛ فازی مبتنی بر محاصره تدریجی، تثبیت مواضع و پیشروی فرسایشی. در این چارچوب، بنت‌جبیل به‌عنوان محور اصلی تعریف شده؛ شهری که تنها چند کیلومتر با مرز فاصله دارد، اما فاصله واقعی آن با اشغالگران، به اندازه یک تاریخ مقاومت است.

بر اساس داده‌های منتشرشده در منابع عبری، اسرائیل با به‌کارگیری چندین تیپ رزمی، از جمله نیروهای چترباز، یگان‌های ویژه و تیپ‌های نخچه، تلاش کرده است از چند محور به این شهر نزدیک شود. همزمان، حجم بالایی از حملات هوایی برای تضعیف زیرساخت‌ها و خطوط پشتیبانی مقاومت انجام شده است. هدف روشن است: نقشه دشمن آماده نفوذ و در نهایت تثبیت

ایران نقشه اسرائیلی آمریکادر مذاکرات رانقش برآب کرد



سردبیر روزنامه رای‌الیوم ادامه داد: علی نیکزاد، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی ایران که عضو هیئت مذاکره‌کننده بود، تأکید کرد که عملیات نظامی آمریکا با هدف پیاده کردن نیرویی از سربازان «مارینز» در جنوب اصفهان، برای جستجوی خلبانان آمریکایی که هواپیمای «ف-۱۵» آنها سرنگون شده بود، نبود، بلکه برای جستجو و تصرف ذخایر اورانیوم غنی‌شده بود که سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل گمان می‌کردند در یک تأسیسات هسته‌ای ایران در منطقه هدف قرار دارد.

سقوط ترامپ در باتلاق تنگه هرمز

بر اساس این مقاله، این شکست بزرگ آمریکایی در دو بخش نظامی و مذاکراتی، برای ترامپ و نتانیاهو بسیار سخت بود، و به همین دلیل اولی (ترامپ) با تحریک دومی (نتانیاهو) تصمیم گرفت با تهدید جدیدی مبنی بر اعمال محاصره بر تمام بنادر ایران، برای جلوگیری از صادرات نفت آن، و رهگیری هر کشتی با کامیون نفتی که در ازای عبور از تنگه هرمز به خزانه ایران عوارض پرداخت می‌کند، ظاهر شود؛ پس از آنکه ایران پیشنهاد آمریکا برای ایجاد یک نظام حقوقی جدید برای تنگه هرمز و تقسیم عوارضی که در چارچوب آن اعمال خواهد شد را رد کرد.

عطون تصریح کرد: نتانیاهو تنها کسی بود که محاصره آمریکا بر بنادر ایران را تأیید و از آن حمایت کرد؛ محاصره‌ای که تهران آن را «دزدی دریایی» خواند و تهدید به مقابله با آن با زور کرد، و به همین دلیل در صورت تهدید سلامت بنادر ایران، هیچ یک از بنادر

■ عبدالباری عطوان، سردبیر روزنامه فرمانطقه‌ای رای‌الیوم و تحلیلگر

برجسته جهان عرب در سرمقاله جدید خود برای این روزنامه الکترونیکی به شکست مذاکرات اسلام آباد و دست و پا زدن‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در تنگه هرمز پرداخته و نوشت: وقتی جی‌دی، ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، اعتراف می‌کند که مسئله اصلی برای ترامپ، در مذاکرات اسلام‌آباد، خارج کردن مقادیر اورانیوم غنی‌شده از ایران و تضمین عدم غنی‌سازی اورانیوم در آینده بود، این در نگاه اول بدان معناست که مذاکرات اسلام‌آباد از همان دقایق اولیه آغاز خود به بن‌بست رسیده بود، و کسی که دستور کار آن را تعیین و مسیر آن را از راه دور مشخص می‌کرد، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر بود نه ترامپ و آمریکا.

هوشمندی ایران در مذاکرات نقشه‌های آمریکا و اسرائیل را نقش بر آب کرد

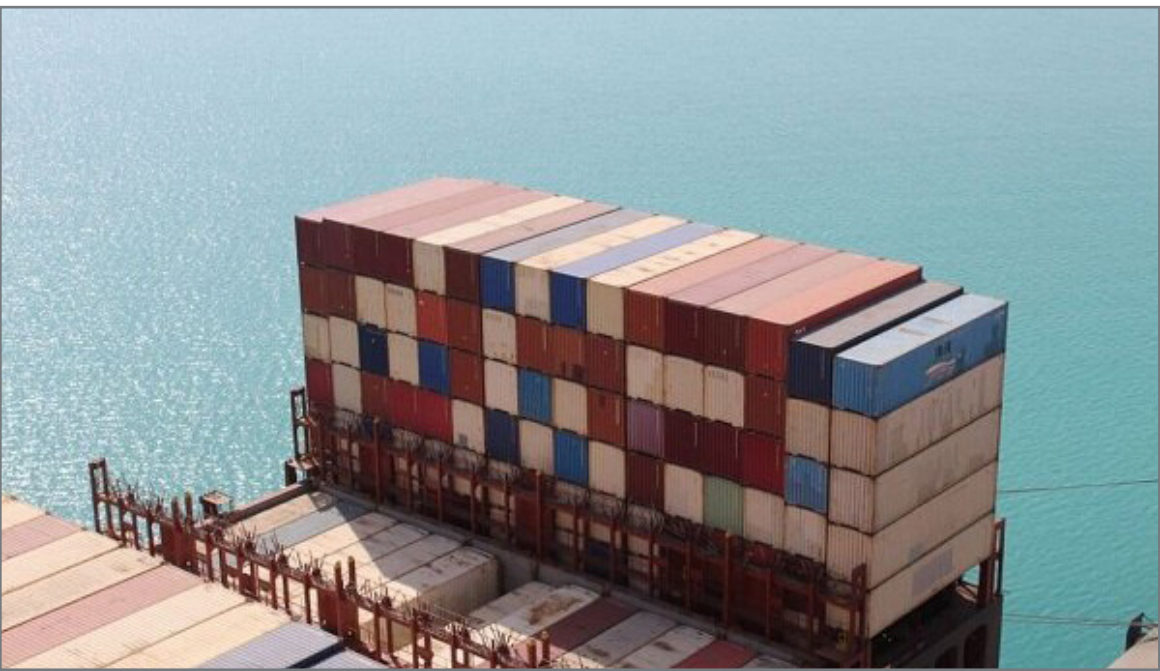
عبدالباری عطوان افزود: اسرائیل، از طریق ایالات متحده و رئیس‌جمهورش ترامپ، می‌خواست دو فریب را تکرار کند؛ اولی مربوط به جنگ عراق به بهانه نابودی سلاح‌های کشتار جمعی، و دومی مربوط به لیبی با برچینن برنامه هسته‌ای نوپای آن است، که از راه دور توسط عبدالقدیر خان، کارشناس هسته‌ای پاکستانی، نظارت می‌شد.

وی تأکید کرد: اما مذاکره‌کنندگان ایرانی با درک اهداف واقعی آمریکا، در تمام دوره‌های مذاکرات غیرمستقیم در مسقط و ژنو، یا در وین که نزدیک به دو سال به طول انجامید، بسیار زیرک بودند، و به همین دلیل حتی یک میلی‌متر از اصرار خود بر آزادی مطلق در غنی‌سازی اورانیوم و درجات آن، و نگهداری مقادیر کافی از آن کوتاه نیامدند؛ زیرا رهبری ایران به خوبی می‌دانست که سناریوی تجاوز و سپس اشغال که در لیبی و عراق، تحت عناوین فریبنده‌ای همچون اصلاحات و دموکراسی و حقوق بشر، اجرا شد، در ایران هم تکرار خواهد شد، و نقشه دشمن آماده است.

در ادامه این مقاله آمده است: کسی که مذاکرات اسلام‌آباد را به پایان رساند، و یا بهتر است بگوییم به درستی آن را به شکست کشاند، آگاهی هیئت ایرانی و رئیس آن، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس بود که در شخصیت خود سیاست و نظامی‌گری را جمع کرده بود، و از رهبران برجسته محور اصول‌گرا محسوب می‌شود. درواقع هیئت ایرانی از تمام جزئیات طرح آمریکایی-اسرائیلی، آگاه و با مذاکره بر سر دو بند توقف غنی‌سازی و انتقال اورانیوم غنی‌شده به خارج از ایران مخالف بود.

تحلیل‌گر اسرائیلی: آمریکا اینک دست پایین را در مذاکرات دارد

نقش راهبردی مناطق آزاد در تقویت اقتصاد و تأمین نیازهای کشور در بحران



و به معنای ایجاد ظرفیتهایی است که اقتصاد در برابر ضربه ها فرو نریزد و بتواند در سخت ترین شرایط به فعالیت خود ادامه دهد مناطق آزاد به دلیل پراکندگی جغرافیایی و استقرار در نقاط مرزی نقش مهمی در این زمینه دارند زیرا تمرکززدایی از فعالیت‌های اقتصادی سبب افزایش تاب آوری و کاهش آسیب پذیری کشور می شود.

اگر در شرایط بحران مسیرهای مرکزی کشور با مشکل مواجه شود مناطق آزاد می توانند پشتیبان جریان کالا و تولید باشند و نقش منطقه دوم اقتصادی را ایفا کنند این ویژگی در کشورهای مختلف به ویژه کشورهایی که تجربه جنگ یا تحریمهای سنگین داشته اند بسیار تعیین کننده بوده است.

مناطق آزاد با برخورداری از زیرساختهای بندری فرودگاهی و مرزی قادرند زنجیره تأمین کشور را حتی در زمانی که فشار بر اقتصاد افزایش می یابد حفظ کنند و این موضوع به معنای جلوگیری از ایجاد شکاف میان نیاز مردم و توان تأمین کشور است از همین رو تقویت این مناطق در دوران صلح در واقع سرمایه گذاری استراتژیک برای دوره بحران محسوب می شود.

در نهایت می توان گفت که مناطق آزاد تنها به عنوان مراکز تجاری تعریف نمی شوند بلکه عناصر حیاتی برای تضمین پایداری اقتصادی کشور هستند و در دوره های بحرانی می توانند نقش پیشگام را در تأمین کالا جذب سرمایه حمایت از تولید و حفظ امنیت اقتصادی ایفا کنند و اگر سیاستگذارها به صورت دقیق و آینده نگرا نه تنظیم شود این مناطق به یکی از موثرترین ابزارهای مدیریت بحران تبدیل خواهند شد.

دوچندان می شود زیرا کشور در چنین زمانهایی نیازمند منابع مالی تازه است تا بتواند چرخه تولید را فعال نگه دارد و از خروج سرمایه جلوگیری کند و مناطق آزاد بهترین مکان برای تحقق این هدف به شمار می روند.

در بسیاری از موارد سرمایه گذاران خارجی در دوره بحران تمایل دارند فعالیت خود را در مناطقی انجام دهند که از ثبات نسبی برخوردار است و پیچیدگیهای اداری کمتری دارد و به همین دلیل مناطق آزاد می توانند به عنوان نقطه ثقل سرمایه گذاری عمل کنند و حتی در دوران تحریم به واسطه استفاده از مسیرهای مالی غیر مستقیم جذب سرمایه را ادامه دهند و مانع خاموشی صنایع شوند.

از سوی دیگر فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان مستقر در مناطق آزاد که بخش قابل توجهی از تولید داخلی را تأمین می کنند نیازمند حمایت و اولویت در دسترسی به مواد اولیه قطعات و تجهیزات هستند زیرا توقف فعالیت این واحدها می تواند ضربه بزرگی به اقتصاد ملی وارد کند و به همین دلیل در دوره بحران باید اولویت اصلی سیاستگذار تأمین نیازهای تولیدکنندگان این مناطق باشد تا موتور تولید در پریسک ترین شرایط نیز خاموش نشود.

مناطق آزاد همچنین موتور اشتغال در بخشهای مختلف صنعتی خدماتی و بازرگانی هستند و در دوره بحران حفظ اشتغال به معنای حفظ پایداری اجتماعی است بنابراین تقویت این مناطق و حمایت از ساکنان و فعالان اقتصادی آنها در واقع حمایت مستقیم از جامعه و نیروی کار کشور محسوب می شود.

نقش مناطق آزاد در تقویت پدافند اقتصادی و امنیت ملی پدافند اقتصادی یکی از مفاهیم کلیدی در حکمرانی اقتصادی کشورهاست

شوک تنگه هرمز و خطر رکود تورمی برای اقتصاد آمریکا



اخیر خود تأکید کرده که جنگ ایران مسیر انتظارات بازار از نرخ بهره را به هم زده است.

برای اقتصادی با بدهی بسیار بالا، این مسئله صرفاً یک نوسان بازار نیست. آمریکا باید بخش بزرگی از بدهی خود را مرتباً تمدید کند و هرچه نرخهای جدید بالاتر باشند، هزینه بودجهای دولت هم بیشتر می‌شود. به همین دلیل، افزایش بازده اوراق فقط فشار بر مصرف‌کننده یا بازار هرمز ادامه یابد یا دوباره تشدید شود، فشار آن فقط از تأمین مالی دولت آمریکا هم منتقل می‌شود.

ترکیب تورم انرژی و رشد ضعیف، خطر رکود تورمی را زنده کرده است خطر اصلی برای آمریکا در همین ترکیب نهفته است: انرژی گران‌تر از یک‌سو تورم را بالا می‌برد، اما همان تورم باعث می‌شود فدرال رزرو نتواند به‌سرعت نرخ‌ها را پایین بیاورد. هم‌زمان، نرخ‌های بالاتر نیز از مسیر وام، مسکن و سرمایه‌گذاری، رشد را ضعیف می‌کنند. این همان الگویی است که اقتصاددانان از آن با عنوان رکود تورمی یاد می‌کنند؛ یعنی اقتصادی که هم‌زمان با تورم بالا، رشد ضعیف‌تری را تجربه می‌کند. رویترز گزارش داده تورم مصرف‌کننده آمریکا در مارس با چش قیمت بنزین، سریع‌ترین رشد در نزدیک چهار سال را ثبت کرده است. این یعنی شوک هرمز فقط یک ریسک احتمالی نیست؛ در داده‌های واقعی اقتصاد آمریکا هم اثر خود را نشان داده است.

به همین دلیل، اثر هرمز بر آمریکا را نباید فقط در پهم‌ترین یا بازار نفت دید. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این بحران، بالا نگه داشتن نرخ‌های بهره و سخت‌تر کردن تأمین مالی در کل اقتصاد آمریکاست. اگر بحران هرمز ادامه یابد یا دوباره تشدید شود، فشار آن تقریباً مسیر انرژی نخواهد بود؛ از مسیر بازار اوراق، بودجه دولت، بازار مسکن و سرمایه‌گذاری خصوصی هم ادامه پیدا می‌کند. همین‌جاست که تنگه هرمز از یک کلوگاه دریایی، به یک اهرم فشار بر ساختار مالی آمریکا تبدیل می‌شود.

بالا می‌رود، وام مسکن، وام‌های شرکتی و بخشی از هزینه استقراض دولت هم بالا می‌رود. به همین دلیل، فشار در بازار اوراق خیلی سریع از وال‌استریت به اقتصاد واقعی منتقل می‌شود. نخستین نشانه‌اش هم در بازار مسکن دیده شده است. نرخ وام مسکن ۳۰ ساله آمریکا از ۵٫۹۸ درصد در ۲۸ فوریه به ۶٫۴۶ درصد در هفته منتهی به ۳ آوریل رسیده و هم‌زمان فروش خانه‌های موجود در مارس به پایین‌ترین سطح ۹ ماهه سقوط کرده است.

معنای این تحول روشن است: خانوارها با وام گران‌تر روبه‌رو می‌شوند، خرید خانه دشوارتر می‌شود و بخش مسکن که یکی از کانال‌های مهم رشد اقتصادی آمریکاست، تحت فشار می‌رود. همین منطق در مورد بنگاه‌ها هم برقرار است. وقتی نرخ‌های بلندمدت بالا می‌ماند، سرمایه‌گذاری سخت‌تر، تأمین مالی گران‌تر و گسترش تولید محتاطانه‌تر می‌شود. اقتصاد در چنین وضعی نه‌تنها از شوک انرژی ضربه می‌خورد، بلکه از مسیر افزایش هزینه سرمایه هم ضعیف‌تر می‌شود.

فشار فقط روی نرخ‌های جدید نیست؛ ارزش اوراق موجود هم پایین می‌آید. اگر بحران فقط در این نیست که بدهی تازه آمریکا گران‌تر می‌شود. وقتی بازده اوراق بالا می‌رود، قیمت اوراق موجود پایین می‌آید. این یعنی دارنده اوراق با زیان قیمتی مواجه می‌شود و بخشی از سرمایه‌گذاران، مخصوصاً در دوره‌های نااطمینانی، انگیزه بیشتری برای فروش پیدا می‌کنند. هرچه این فروش‌ها بیشتر شود، بازار بدهی ناپایدارتر می‌شود و خزانه‌داری آمریکا برای تمدید بدهی‌های سررسیده‌شده ناچار است نرخ‌های بالاتری بپردازد. این همان چرخه‌ای است که شوک انرژی می‌تواند آن را فعال کند: تورم بالاتر، بازده بالاتر، قیمت پایین‌تر اوراق، و فشار بیشتر بر تأمین مالی دولت. این منطق با نحوه کار بازار اوراق و حساسیت آن به انتظارات نرخ بهره سازگار است و رویترز نیز در پوشش

مناطق آزاد در ساختار اقتصادی ایران دارای جایگاهی ویژه و چندبعدی هستند و کارکرد آنها تنها به تسهیل تجارت یا ایجاد مسیرهای جدید واردات و صادرات محدود نمی‌شود بلکه این مناطق در دوره های بحران اقتصادی یا حتی شرایط جنگی می توانند به یکی از ستونهای اصلی تاب آوری اقتصاد ملی تبدیل شوند و روند تأمین کالاهای اساسی جریان سرمایه گذاری و پایداری تولید را به گونه ای تضمین کنند که کشور در سخت ترین موقعیتهای همچنان قادر به ادامه فعالیت‌های اقتصادی باشد و مسیر توسعه خود را از دست ندهد.

مناطق آزاد در ایران با برخورداری از ویژگیهایی مانند مقررات تسهیل شده ساختارهای اداری چابک دسترسی به مرزهای آبی و زمینی و امکان تعامل سریعتر با بازارهای منطقه ای یکی از مهمترین ابزارهای مدیریت بحران در اقتصاد ملی به شمار می روند و نمونه های بین المللی نیز نشان داده است که در اغلب کشورهای جهان این مناطق در شرایط جنگی تحریم یا اختلال در مسیرهای تجاری نقش پناهگاه اقتصادی را برای کشور ایفا کرده اند و توانسته اند نیازهای فوری و حیاتی جامعه را تأمین کنند و از فشارهای شدید اقتصادی بر دولت و مردم بکاهند.

نقش مناطق آزاد در تداوم تجارت و تأمین کالا در شرایط بحران در دوره ای که کشور با بحرانیهای گسترده نظیر تحریمهای شدید جنگ و تهدیدهای خارجی یا فشارهای اقتصادی مواجه می شود نخستین حوزه ای که دچار اختلال می گردد مسیرهای واردات و صادرات کالا است زیرا معمولاً بنادر اصلی یا مسیرهای تجاری رایج تحت فشار قرار می گیرند یا هزینه های تجارت به شدت افزایش می یابد اما مناطق آزاد به دلیل ساختار متفاوت خود قادر هستند مسیرهای جایگزین را فعال کنند و از ظرفیتهای بندری و مرزی خود برای دور زدن گره های تجاری و رساندن کالاهای اساسی استفاده کنند.

در چنین وضعیتی سرعت ترخیص کالا در مناطق آزاد که به طور طبیعی بسیار بالاتر از سرزمین اصلی است به یکی از ابزارهای حیاتی کشور تبدیل می شود زیرا کالاهای اساسی در شرایط بحران باید در کوتاهترین زمان ممکن وارد شده و به دست مردم برسد و کوچکترین تأخیر می تواند باعث گسترش نگرانی عمومی یا افزایش قیمت کالاها شود از این رو مناطق آزاد نه تنها محلی برای تجارت معمول بلکه سازوکار اصلی برای تضمین امنیت غذایی دارویی و صنعتی کشور خواهند بود. یکی از نکات مهم در این میان ظرفیت بالای انبارداری سردخانه ای و لجستیکی مناطق آزاد است که امکان ذخیره سازی حجم قابل توجهی از کالاهای اساسی و مواد اولیه تولید را فراهم می آورد و این ظرفیت در شرایط جنگ یا بحران که ممکن است مسیرهای لجستیکی کشور تحت تأثیر حملات اختلالات مرزی یا محدودیتهای بین المللی قرار گیرد نقش تعیین کننده ای در جلوگیری از کمبود کالا و التهاب بازار دارد. جذب سرمایه گذاری و حفظ فعالیت اقتصادی در مناطق آزاد در زمان بحران

مناطق آزاد یکی از مهمترین بسترهای جذب سرمایه گذاری خارجی و داخلی در اقتصاد ایران هستند و این ویژگی به دلیل وجود مزایای متعدد از جمله معافتیهای مالیاتی قوانین تسهیل شده و امکان فعالیت شرکای بین المللی است اما در شرایط بحران اهمیت این قابلیت

التهاب تنگه هرمز فقط بازار نفت را به هم نریخته، بلکه به بازار بدهی آمریکا هم فشار آورده است. پس از شکست مذاکرات و بازگشت نفت به حدود ۱۰۰ دلار، بازده اوراق ۱۰ ساله آمریکا به حدود ۴٫۲۳ تا ۴٫۲۵ درصد، بازده ۲ ساله به ۳٫۸۱ تا ۳٫۸۳ درصد و بازده ۳۰ ساله به حدود ۴٫۹۴ درصد رسیده است. هم‌زمان نرخ وام مسکن ۳۰ ساله از ۵٫۹۸ درصد در اواخر فوریه به ۶٫۴۶ درصد در اوایل آوریل افزایش یافته و فروش خانه‌های موجود در آمریکا به پایین‌ترین سطح ۹ ماهه رسیده است. شوک انرژی از یک‌سو فشار تورمی تازه‌ای ساخته و مسیر کاهش نرخ بهره را برای فدرال رزرو دشوارتر کرده و از سوی دیگر هزینه تأمین مالی دولت و بخش خصوصی را بالا برده است. نتیجه این ترکیب، تقویت همان وضعیتی است که برای اقتصاد آمریکا بسیار خطرناک است: رشد ضعیف‌تر، تورم بالاتر و نرخ بهره‌ای که پایین نمی‌آید.

مسیر اقتصاد نوشت: آنتونی‌س موقت نتوانست بحران هرمز را تمام کند. تردد کشتی‌ها هنوز به حالت عادی برگشته، بازار فیزیکی نفت همچنان کم‌عرضه است و هر بار که مذاکرات متوقف می‌شود یا ترامپ دوباره از محاصره و تهدید حرف می‌زند، بازار انرژی به سرعت واکنش نشان می‌دهد. رویترز گزارش داده بود که با شکست گفت‌وگوه، نفت دوباره به بالای ۱۰۰ دلار برگشت و بازارها بار دیگر خطر اختلال عرضه را جدی گرفتند. این فقط یک خبر ژئولیتیک نیست؛ برای اقتصاد آمریکا یک شوک مستقیم قیمتی است. نقطه اصلی انجاست که بازار نفت، برخلاف روزهایی نخست آتش‌س، دیگر به بازگشت سریع آرامش اطمینان ندارد. به همین دلیل، اثر بحران فقط در بنزین و انرژی خلاصه نمی‌شود. وقتی نفت بالا می‌ماند، بازار بلافاصله این پیام را می‌گیرد که فشار تورمی تازه در راه است و فدرال رزرو نمی‌تواند به‌سادگی به سمت کاهش نرخ بهره حرکت کند. از همین جاست که تنگه هرمز به بازار اوراق خزانه‌داری آمریکا وصل می‌شود.

شوک نفتی، بازار اوراق را وارد به بازقیمت‌گذاری کرده است بازار خزانه‌داری آمریکا در هفته‌های اخیر دوباره تحت فشار قرار گرفته، چون معامله‌گران حالا نرخ‌های بهره بالاتر برای مدت طولانی‌تر را محتمل‌تر می‌دانند. بازده اوراق ۱۰ ساله آمریکا در محدوده ۴٫۳۳ تا ۴٫۳۵ درصد، بازده ۲ ساله در حدود ۳٫۸۱ تا ۳٫۸۳ درصد و بازده ۳۰ ساله نزدیک ۴٫۹۴ درصد قرار گرفته است. این اعداد به‌خودی‌خود شاید بحرانی به نظر نرسند، اما در متن جنگ و شوک انرژی معنای دیگری پیدا می‌کنند: بازار در حال قیمت‌گذاری این فرض است که تورم دوباره جان گرفته و کاهش نرخ‌ها عقب افتاده است. همین موضوع را رویترز هم برجسته کرده است. در روزه‌های اخیر، اسکات برنت گفته فدرال رزرو باید «صبر کند و ببیند»، چون جنگ ایران و رشد قیمت سوخت فشار تورمی تازه‌ای ساخته است. این موضع، خود نشانه‌ای از تغییر فضاست. تا پیش از بحران هرمز، بازار بیش از هر چیز به زمان شروع کاهش نرخ‌ها فکر می‌کرد؛ حالا دوباره مسئله اصلی این شده که شاید نرخ‌ها برای مدت طولانی‌تری بالا بمانند. نرخ بالاتر اوراق یعنی تأمین مالی گران‌تر برای کل اقتصاد بازده اوراق خزانه‌داری فقط یک عدد مالی نیست؛ نرخ پایه بسیاری از هزینه‌های اعتباری در آمریکا را تعیین می‌کند. وقتی بازده ۱۰ ساله



تنوع سبد سوخت راهی برای تقویت امنیت انرژی با محوریت سی ان جی

وابستگی بیش از حد به یک نوع سوخت همیشه یکی از نقاط آسیب پذیر در نظام انرژی کشورها به شمار می رود هرچه مصرف انرژی در یک کشور بیشتر بر یک یا دو حامل متمرکز باشد در زمان بروز بحران فشار بیشتری به شبکه تأمین وارد می شود و امکان مدیریت شرایط دشوارتر خواهد شد.

در ایران نیز طی سال های گذشته بخش قابل توجهی از مصرف انرژی به ویژه در حوزه حمل و نقل و مصرف خانگی بر گاز طبیعی و بنزین متمرکز بوده است این تمرکز باعث می شود در زمان اوج مصرف به ویژه در فصل زمستان فشار زیادی بر شبکه گاز وارد شود و در برخی موارد حتی تأمین انرژی برای صنایع و نیروگاه ها با محدودیت مواجه شود.

در چنین شرایطی یکی از راهکارهای مهم که در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته تنوع بخشی به سبد سوخت است یعنی استفاده از چند نوع سوخت مختلف به گونه ای که در زمان افزایش مصرف یا بروز اختلال در تأمین یک سوخت بتوان از گزینه های دیگر استفاده کرد

تنوع سبد سوخت باعث می شود نظام انرژی انعطاف پذیرتر شود و امکان مدیریت مصرف و تأمین انرژی در شرایط مختلف فراهم شود این رویکرد در واقع نوعی بیمه برای امنیت انرژی محسوب می شود زیرا وابستگی کامل به یک منبع را کاهش می دهد و قدرت تصمیم گیری در زمان بحران را افزایش می دهد.

سی ان جی سوخت راهبردی برای حمل و نقل ایران یکی از بزرگ ترین دارندگان منابع گاز طبیعی در جهان است به همین دلیل استفاده از گاز طبیعی فشرده یا همان سی ان جی در بخش حمل و نقل می تواند یکی از مهم ترین ابزارهای مدیریت مصرف انرژی باشد.

سی ان جی در مقایسه با بسیاری از سوخت های مایع هزینه تأمین پایین تری دارد و استفاده از آن می تواند به کاهش مصرف بنزین کمک کند این موضوع به ویژه در شرایطی که مصرف بنزین در کشور رو به افزایش است اهمیت بیشتری پیدا می کند.

در حال حاضر بخش قابل توجهی از ناوگان حمل و نقل عمومی و تاکسی ها از سی ان جی استفاده می کنند اما هنوز ظرفیت های زیادی برای گسترش این سوخت در کشور وجود دارد توسعه جایگاه های عرضه سی ان جی بهبود زیرساخت ها و تسهیل تبدیل خودروها به دوگانه سوز می تواند سهم این سوخت را در سبد مصرف کشور افزایش دهد.

از سوی دیگر استفاده از سی ان جی مزایای زیست محیطی نیز دارد این سوخت در مقایسه با بنزین آلایندگی کمتری تولید می کند و می تواند به کاهش آلودگی هوا در شهرهای بزرگ کمک کند. با توجه به این مزایا بسیاری از کارشناسان انرژی معتقدند سی ان جی می تواند به عنوان یکی از پایه های اصلی سبد سوخت در ایران نقش آفرینی کند و در کنار سایر حامل های انرژی به پایداری نظام تأمین سوخت کمک کند.

ال بی جی سوختی برای شرایط بحران در کنار توسعه سی ان جی استفاده هدفمند از ال بی جی نیز می تواند به تقویت امنیت انرژی کمک کند ال بی جی با گاز مایع یکی از فراورده های مهم صنعت نفت و گاز است که قابلیت ذخیره سازی و حمل و نقل آسانی دارد. یکی از ویژگی های مهم ال بی جی این است که برخلاف گاز طبیعی وابسته به شبکه گسترده خط لوله نیست این سوخت را می توان در مخازن ذخیره کرد و در صورت نیاز از طریق کامیون یا سیلندر به مناطق مختلف منتقل کرد همین ویژگی باعث می شود ال بی جی در زمان بروز بحران یا محدودیت در شبکه گاز به یک گزینه قابل اتکا تبدیل شود.

در بسیاری از کشورها از ال بی جی به عنوان سوخت مکمل در سید انرژی استفاده می شود به این معنا که در شرایط عادی ممکن است سهم این سوخت محدود باشد اما در زمان افزایش مصرف یا بروز اختلال در شبکه های انرژی می تواند به سرعت وارد مدار مصرف شود.

در ایران نیز ظرفیت تولید ال بی جی قابل توجه است بخشی از این محصول صادر می شود اما در صورت برنامه ریزی مناسب می توان از آن به عنوان یک ابزار پشتیبان برای مدیریت مصرف انرژی در داخل کشور استفاده کرد.

به عنوان مثال در زمان اوج مصرف گاز در فصل زمستان می توان بخشی از نیاز گرمایشی یا مصرف صنایع کوچک را با ال بی جی تأمین کرد این اقدام باعث می شود فشار کمتری بر شبکه گاز وارد شود و امکان تأمین پایدار انرژی برای بخش های مختلف اقتصاد فراهم شود.

همچنین در مناطق دور از شبکه گاز یا در شرایطی که زیرساخت های انتقال انرژی با مشکل مواجه می شوند ال بی جی می تواند نقش مهمی در تأمین انرژی ایفا کند.

ماجرای بازگشت اسلام به مسیر اصلی در دوران امام صادق (ع)



دکتر معصومه موحّد، کارشناس مسائل دینی، در یادداشتی به بررسی شیوه مبارزاتی امام صادق (ع) پرداخته است:

تصور کنید یک دین بزرگ، بعد از گذشت سال‌ها از رحلت پیامبرش و بعد از شهادت سه امام برحق، آرام‌آرام از مسیر اصلی خود منحرف شده است. در چنین شرایطی، چه کسی می‌تواند این دین را دوباره به راه راست برگرداند؟ پاسخ تاریخ این است: امامان معصوم علیهم‌السلام پشت سر هم، مثل حلقه یک زنجیر محکم، مأموریت نجات اسلام را بر عهده گرفتند.

یک حلقه امام سجاد(ع) بود. ایشان مثل باغبانی ماهر، بعد از یک طوفان ویرانگر، شروع به کاشتن بذرهای جدید در خاک سوخته جامعه کردند. کار ایشان، بازسازی روحیه معنوی و اخلاقی مردم بود؛ کاری سخت و زمان‌بر، اما ضروری برای شروع هر تحول بزرگی. حلقه دوم، امام باقر(ع) بود. ایشان مثل یک معمار دقیق، نقشه کامل این بنای در حال ساخت را طراحی کردند. امام باقر(ع) اصول، قوانین و مرزهای فکری مکتب اهل‌بیت(ع) را با دقت تبیین کردند تا هر کس بتواند راه درست را از نادرست تشخیص دهد.

اما نوبت که به امام صادق (ع) رسید، ایشان مأموریت «تکمیل و به‌مبرداری» از این بنا را بر عهده گرفتند. اگر دو امام پیشین، پی‌ریزی و طراحی را انجام داده بودند، امام صادق (ع) باید ستون‌ها را بالا می‌پرند و گنبد عدالت را نصب می‌کردند. به همین دلیل شیعیان آن زمان، امام صادق(ع) را امید سال‌های انتظار خود می‌دانستند. در واقع امام صادق(ع) در نگاه مردم، کسی بودند که باید حکومت عادلانه امام علی(ع) را دوباره زنده می‌کردند و اسلام واقعی را به جامعه بازمی‌گردانند. برنامه ایشان کاملاً مشخص بود: جمع‌بندی کارهای گذشته، سازمان‌دهی نیروها، و در نهایت، برافراشتن پرچم حکومت حق بر ویرانه‌های حکومت ظالم.

دو فصل مبارزه؛ از فریاد آشکار تا نقشه پنهان

دوران امامت امام صادق (ع) را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد که هر کدام، روش مبارزاتی خاص خود را داشت. بخش اول مربوط به سال‌های پایانی حکومت بنی‌امیه بود؛ زمانی که امام با شجاعت تمام، در مراسم حج و در برابر هزاران زائر، حقانیت خود را اعلام می‌کردند و با صدای بلند می‌فرمودند: «**امام واقعی شما، من هستم**». امام با استفاده از فرصت حج که مثل یک رسانه جهانی در آن زمان بود، پیام خود را به گوش مسلمانان سراسر دنیا می‌رسانند. این روش، هم تبلیغ مکتب بود و هم افزایش غصب خلافت توسط حاکمان ظالم. اما وقتی بنی‌امیه سقوط کرد و بنی‌عباس به قدرت رسیدند، همه چیز تغییر کرد. عباسیان با شعارهای فریبنده‌ای مثل «**ما هم از خاندان پیامبریم**» در حال جلب اعتماد مردم بودند. در این شرایط،



بزرگترین تلاش «سرو، سپید، سرخ»

■ فرزند رنجبر کارگردان اپیزود «چادر مسافرتی» از سریال «سرو، سپید، سرخ» که با محوریت جنگ رمضان از شبکه یک سیما در حال پخش است، درباره این اثر توضیح داد: «چادر مسافرتی» درباره زوجی است که به دلیل اختلاف مذهبی قصد طلاق گرفتن دارند اما بعد از جنگ از تهران فرار می کنند و مجبور می‌شوند در چادری با یکدیگر زندگی کنند اما به تدریج به درک متقابلی از یکدیگر می‌رسند.

او افزود: من از مدتی قبل روی این ایده کار کرده بودم و حتی بعد از جنگ ۱۲ روزه قصد ساخت آن را داشتم. وقتی پیشنهاد کارگردانی یک اپیزود داده شد آن را مطرح کردم و تصویب و خیلی زود وارد مرحله تولید شد.

رنجبر درباره شرایط تولید بیان کرد: فیلمبرداری ما بیشتر در قلمشهر و ساری بود. تا حد زیادی از صداها و بمباران دور بودیم اما یکبار بایلسر را زدند که آسیبی برای پروژه نداشت. باید بگویم بازیگران و عوامل بسیار همراه بودند و اساسا ساخت این کار نیاز به یک حس وطن دوستی و فداکاری در تیم داشت. چون زمانی را از خانواده‌هایشان با وجود اضطراب جنگ دور بودند و در شرایطی سخت کار انجام شد.

وی خاطرنشان کرد: سریال «سرو، سپید، سرخ» و جمع شدن این تعداد کارگردان در شرایط آینده‌ای نامعلوم پروژه بزرگ و سختی بود که در رسانه راهبری شد. حضور مهدی آذرپندار به عنوان نقطه کانونی در اوج و اشراق و ارتباط گسترده او با فیلمسازان از یک سو و تهیه‌کنندگان جسور و پای کار سریال آقایان موحّد، شفاه و والی نژاد باعث شد تا کار به خوبی پیش برده شود.

رنجبر تصریح کرد: من در جلسه اول ایده‌پردازی گفتم امروز برای همه ارکان کشور به مثابه یک آزمون است؛ به ویژه برای جبهه فرهنگی انقلاب که آیا می‌توان در روزهای صفر جنگ امتحان خود را به درستی پس بدهد.

این کارگردان درباره پیشرو بودن سینمای داستانی در کنار سینمای مستند در ایام جنگ رمضان گفت: اینکه ابتدا مستند به سراغ یک بحران می‌رود، یک برخورد ساختاری است اما قدرت نمایی جبهه فرهنگی انقلاب در ساخت سریال «سرو، سپید، سرخ» این بود که توانستیم به موازات سینمای مستند در سینمای داستانی هم واکنش داشته باشیم. نکته دیگر هم مربوط به جامعه نخبگانی است که باید در هر رویدادی موضع گیری و تحلیل داشته و در ساخت انگاره های ذهنی جامعه موثر باشد اما متأسفانه در سال‌های اخیر به واسطه قدرت‌گیری شبکه‌های اجتماعی و تسلط دشمن بر آن‌ها این ماجرا برای ما برعکس شده است. به این معنا که در واقع جامعه دنبال کننده است که دارد نخبگان را به دنبال خود می‌کشاند و جامعه نخبگانی را عملاً فلج و بی هویت و بدون کنش می‌بینیم.



«مسیح‌انگاری ترامپ» وارتباطش باتفکر آخرالزمانی مسیحیت صهیونیسم

■ در بسیاری از جریان‌های دینی که روایت پرنرنگی از آخرالزمان، نبرد خیر و شر و ظهور نجات‌دهنده دارند، برخی افراد و جریانات ممکن است دچار احساس رسالت شدید شوند. در این حالت، نشانه‌های معمولی برای آنان معنای ویژه پیدا می‌کند و به‌عنوان علامت «انتخاب‌شدگی» یا «هدایت مستقیم الهی» تفسیر می‌شود. این وضعیت می‌تواند از همانندسازی شدید با شخصیت‌های مقدس تا شکل‌گیری توهمات مذهبی گسترده شود و نوعی عظمت‌پنداری معنوی ایجاد کند.

جریان‌های آخرالزمان‌محور — صرف‌نظر از دین، زمان یا جغرافیا — معمولاً ساختاری دارند که در آن جایگاهی بسیار برجسته برای «منجی» تعریف شده است. در این منظومه فکری، باور به نزدیکی ظهور، تفسیر نشانه‌های گوناگون به‌عنوان مقدمات آن و نقش‌آفرینی یک ملت برای برخی پیروان یا رهبران به‌صورت رایج دیده می‌شود. این چارچوب اعتقادی زمینه‌ای فراهم می‌کند که در آن برخی افراد نشانه‌های بیرونی یا تجربه‌های شخصی را با معنایی فراتر از واقعیت تفسیر کنند.

ترکیب این بستر اعتقادی با سازوکارهای روان‌شناختی می‌تواند فردی را به این نتیجه برساند که «اگر ظهور نزدیک است و اگر من نشانه‌هایی حس می‌کنم، شاید خود من همان فرد باشم». این نوع برداشت در تاریخ ادیان و فرقه‌های مختلف بارها مشاهده شده و پدیده‌ای فراگیر و غیرمتمحصر به گروه خاصی است. در برخی اختلالات، شخص ممکن است دچار توهمات مرجع یا عظمت‌پنداری شود. مثلاً * اختلال دوقطبی (در فاز شدیدی شدید) * اسکیزوفرنی: شخص در این حالت اختلالی روان‌پریشانه پیدا می‌کند که باعث گسست از واقعیت، توهم، هذیان، اختلال در تفکر و مشکل در تشخیص واقعیات می‌شود.

* اختلالات روان‌پریشی ناشی از استرس یا فشار ایدئولوژیک

اگر چنین پیامی مرتب تکرار شود، یک فرد مستعد ممکن است: نقش‌های اسطوره‌ای را به خود نسبت دهد؛ احساس کند مرکز روایت الهی است؛ تصور کند باید جهان را تغییر دهد؛ خود را مرکز داستان بداند؛ احساس کند توسط خدا انتخاب شده؛ فکر کند نشانه‌های جهان با او مرتبط است.

صهیونیسم مسیحی دارای چنین تفکرات آخرالزمانی هستند و شخص ترامپ خود را یک صهیونیسم مسیحی و منجی یهود و فرماندهٔ



جنگ به زبان «طنزواقع‌نگار»

■ در روزهایی که غرش موشک‌ها و التهاب اخبار، فضای رسانه‌ای را پر کرده است، هنر کاریکاتور بار دیگر به اصالت مطبوعاتی خود بازگشته تا زبانی برای بیان حقایق باشد.

در دنیایی که جشنواره‌ها و کارهای بدون شرح، هنر کاریکاتور را به سمت کلیشه برده‌اند، عباس ناصری آستین‌ها را بالا زده تا به ریشه‌های مطبوعاتی‌اش بازگردد. او در گفتگوی پیش‌رو از چرایی اهمیت تیترو، شماره‌گذاری آثار و لذت مدیریت تمام مراحل فنی یک اثر هنری سخن می‌گوید. عباس ناصری هنرمند طراح و کارتون‌بست که کار طراحی «خبرنامه جنگی» را بر عهده دارد، در ادامه به تشریح چگونگی شکل‌گیری فعالیت‌های اخیر خود در دوران جنگ تحمیلی و بازگشت به سبک و سیاق مجلات نوستالژیک دهه شصت پرداخته است که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

عباس ناصری درباره آغاز فعالیت خود در روزهای ابتدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه گفت: وقتی جنگ تحمیلی ۱۲ روزه شروع شد، من در تهران بودم. در واقع برای اختتامیه جشنواره هولوساید آمده بودم که به دلیل شرایط جنگی، پروازها کنسل شد و ماشینی هم برای رفتن پیدا نکردیم. از طرفی هنرمندان خارجی که در جشنواره بودند، بسیار ترسیده بودند و من به نوعی مجبور شدم کنارشان بمانم تا احساس تنهایی نکنند. از همان‌جا کار را شروع کردم؛ بدون هیچ ابزار خاصی، نه اسکتری داشتم و نه امکاناتی. با یک گوشی موبایل از طرح‌های روی کاغذ عکس می‌گرفتم و روزانه کار تولید می‌کردم. مجموعه کارهای آن ۱۲ روز اکنون صفحه‌آرایی شده و در قالب کتابی با عنوان «۱۲ روز ۱۲ کارتون» آماده چاپ است. که به دلیل شرایط فعلی، انتشار آن به آینده موکول شده است. جنگ به زبان «طنز واقع‌نگار»؛ سندی که برای آیندگان امضا شد

عبور از کلیشه‌ها؛ از کار جشنواره‌ای تا کارتون مطبوعاتی

وی با اشاره به تغییر رویکرد خود از فضای جشنواره‌ای به فضای مطبوعاتی توضیح داد: ذات من همیشه یک کارتون‌بست مطبوعاتی بوده است. در ۳۰ سال گذشته، با کم‌وشدن و بسته شدن مطبوعات، ما ناخودآگاه به سمت جشنواره‌ها و سایت‌ها رفتیم و کارهای بدون شرح جشنواره‌ای تولید کردیم اما در این شرایط حس کردم دیگر کشیدن یک بپ در دست یا فضاهای کلیشه‌ای غزه جواب نمی‌دهد. همیشه معتقد بودهام که در غزه ما یک جغرافیای مشخص، یک ظالم و یک مظلوم داریم که ۳۰ سال است درباره آن کاریکاتور کشیده می‌شود. به همین دلیل وقتی بیمارستان را هدف قرار دادند، با ایده‌ای متفاوت وارد شدم و کمپین «بیمارستان منطقه جنگی نیست» را راه انداختم چون همیشه به دنبال کار متفاوت هستم.

احیای سبک دهه شصت و ادای احترام به بزرگان

این هنرمند کارتون‌بست در ادامه به تأثیرپذیری از مجلات قدیمی در «خبرنامه جنگی» و حسرت‌های دوران نوجوانی خود اشاره کرد و گفت: یکی از بزرگ‌ترین حسرت‌های زندگی من این است که چرا در دهه ۶۰ و ۷۰ یک کارتون‌بست حرفه‌ای نبودم تا در آن فضا کار کنم. تمام کودکی و نوجوانی ما با گاهنامه‌های «طنز و کاریکاتور» جواد علینازده و مجلاتی مثل فکاهیون، پهلول، ملون و فانوس گذشت. همیشه دوست داشتم در آن اتمسفر زندگی می‌کردم و برای آن مجلات طرح می‌کشیدم.

وی درباره ساختار بصری «خبرنامه جنگی» که شباهت‌هایی به سبک «گل‌آقا» دارد، گفت: در جنگ ۱۲ روزه، کارها بدون نظم خاصی منتشر می‌شد اما این‌بار تصمیم گرفتم ساختاری طراحی کنم. یک لوگو اجرا کردم و به صفحه‌آرایی فکر کردم که حال و هوای قدیمی‌تری داشته باشد. ابتدا قصد داشتم کاملاً سیاه و سفید باشد اما رفته‌رفته کمی رنگ به کارها اضافه کردم. در واقع چون نمی‌شد یک مجله کامل درآورد، تصمیم گرفتم آرزوی قلبی‌ام را در قالب یک «تک‌صفحه» به سبک مجلات دهه ۶۰ و حتی قدیمی‌تر از «گل‌آقا» پیاده کنم که خوشبختانه از شماره اول به بعد، این فضا پخته‌تر و بهتر شد.

ناصری در ادامه با اشاره به استقلال در مراحل فنی و گرافیکی آثارش عنوان کرد: خوشبختانه با اتکا به توانی که در حوزه گرافیک و طراحی داشتم، ساختاری را طراحی کردم که بتوانم تمام مراحل آن را خودم مدیریت کنم. نتواستم با وابستگی به گرافیس‌ت یا شخص دیگری، در لحظات حساس کار زمین بماند یا کسی را به زحمت بیندازم؛ بنابراین تمام جزئیات را خودم پیش می‌برم.

جنگ به زبان «طنز واقع‌نگار»؛ سندی که برای آیندگان امضا شد

وی با بیان دشواری‌های تولید مستمر، بیان کرد: شاید در ظاهر تولید یک شماره ساده به نظر برسد اما واقعیت این است که هر شماره تمام وقت روزانه من را می‌گیرد؛ از ایده‌یابی و اجرا گرفته تا ساختار، رنگ‌آمیزی و کارهای سیستماتیک، همه و همه وقت‌گیر هستند. با این حال، انجام این کار حس بسیار خوبی به من می‌دهد.

شناسنامه‌دار کردن آثار برای ماندگاری بیشتر

وی درباره علت انتخاب قالب «شماره‌دار» برای این خبرنامه توضیح داد: برخلاف جنگ ۱۲ روزه که کارها بدون ترتیب منتشر می‌شد، این بار تصمیم گرفتم به آثارم هویت و شناسنامه بدهم. وقتی مخاطب مثلاً شماره ۱۶ را می‌بیند، متوجه می‌شود که این کار ریشه دارد و ۱۵ شماره قبلی هم وجود داشته است؛ این موضوع باعث ایجاد انگیزه در مخاطب برای دنبال کردن مجموعه می‌شود. این قالب فرمدار که دارای لوگو، آرم و تاریخ مشخص است، کار را ماندگارتر می‌کند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفاویی | گرافیکست و صفحه آر | مهدی حاجی شریفی
روابط عمومی | جهانگیر توسلی | ناظر هنری | محمد رضا مهدیانی
تلفن | ۰۲۱۸۶۰۵۲۰۸ _ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۳ | آگهی ها | ۰۲۱۸۶۰۵۲۰۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ | مصمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



تکلیف خیانت به کشور چیست؟

غلامعباس ترکی، حقوقدان با اشاره به اصل ۴۱ قانون اساسی اعلام کرد تابعیت، حق مسلم هر ایرانی است و در چارچوب نظام حقوقی کشور، سلب تابعیت به عنوان مجازات پیش‌بینی نشده و جایگاهی در قوانین کیفری ندارد.

۷

سندی که برای آیندگان امضا شد

در روزهایی که غرش موشکها و التهاب اخبار، فضای رسانه‌ای را پر کرده است، هنر کاریکاتور بار دیگر به اصالت مطبوعاتی خود بازگشته تا زبانی برای بیان حقایق باشد.

۶

گام بزرگ AFC برای ۳۲ تیمی شدن لیگ نخبگان آسیا

به نقل از سایت کنفدراسیون فوتبال آسیا AFC، کمیته مسابقات کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) مجموعه‌ای از بهبودهای استراتژیک را برای معتبرترین رقابت باشگاهی قاره، یعنی لیگ قهرمانان آسیا الیت (ACLELITE)، پیشنهاد کرده است که در رأس آن‌ها حرکت به سمت فرمت ۳۲ تیمی از فصل ۲۰۲۶ قرار دارد.

اصلاحات بر تعهد AFC برای ترویج بیشتر فراگیری و برتری در سراسر قاره تأکید دارند، در حالی که مسیری سخت‌گیرانه‌تر برای صعود به مرحله حذفی معرفی می‌شود.

محوری‌ترین بخش این تحول، گسترش مرحله لیگ از ۲۴ به ۳۲ باشگاه شرکت‌کننده است. در ساختار جدید، رقابت همچنان به طور مساوی تقسیم می‌شود و ۱۶ تیم در هر یک از مناطق شرق و غرب حضور خواهند داشت. این افزایش مقیاس با هدف فراهم کردن فرصت‌هایی برای باشگاه‌های نخبه جهت رقابت با بهترین‌های قاره طراحی شده است، در حالی که همزمان انگیزه‌ای برای ارتقای استانداردهای حرفه‌ای‌گری و عملکرد در لیگ‌های داخلی در سراسر آسیا ایجاد می‌کند.

معیارهای پیشرفت پس از مرحله لیگ که پس از فصل ۲۰۲۶ اجرا خواهند شد، نیز برای افزایش اهمیت دور افتتاحیه بازی‌نگری خواهند شد. با پایان مرحله لیگ، باشگاه‌هایی که در هر منطقه رتبه‌های اول تا ششم را کسب کنند، مستقیماً به مرحله یک‌شانزدهم صعود می‌کنند. در انحراف قابل توجهی از فرمت‌های قبلی، باشگاه‌هایی که رتبه‌های هفتم تا دهم را کسب می‌کنند، حذف نخواهند شد، بلکه به مرحله حذفی جدیدی به نام پلی آف صعود خواهند کرد.

به عنوان پاداش برای عملکرد برتر در مرحله لیگ، باشگاه رتبه‌بندی بالاتر در هر جفت‌بندی -به‌ویژه تیم‌های رتبه هفتم و هشتم- مزیت میزبانی را حفظ خواهند کرد.



امید به صعود نماینده ایران

● تیم فوتبال تراکتور پس از کش‌وقوس‌های فراوان، در مرحله یک‌هشتم لیگ نخبگان آسیا به مصاف شباب الاهلی امارات می‌رود. شاگردان محمد ربیعی با وجود کمبود مسابقات تدارکاتی، با انگیزه و حمایت هواداران خود آماده این جدال مهم هستند.

● تراکتور که به‌عنوان تنها نماینده ایران در لیگ نخبگان ۲۰۲۶ حضور دارد، در مرحله گروهی عملکردی درخشان ارائه کرده این تیم در ۸ مسابقه تنها یک شکست را تجربه کرد و با ۵ پیروزی و ۲ تساوی، به‌عنوان تیم سوم راهی مرحله حذفی شد. در مقابل، شباب الاهلی با قرار گرفتن در رتبه ششم جدول، به این مرحله صعود کرد.

● طبق برنامه اولیه، بازی‌های رفت و برگشت مرحله حذفی باید در زمان مشخصی برگزار می‌شد، اما به‌دلیل شرایط امنیتی منطقه، کنفدراسیون فوتبال آسیا تصمیم گرفت این رقابت‌ها را به‌صورت متمرکز و تک‌بازی در عربستان برگزار کند.

● از سوی دیگر، تعطیلی مسابقات داخلی فوتبال ایران به‌مدت حدود ۴۰ روز، کار را برای تراکتور دشوار کرده است. این وقفه طولانی باعث افت آمادگی مسابقه‌ای تیم شده و همچنین با خروج موقت برخی بازیکنان و مربیان خارجی، انسجام تیمی تحت تأثیر قرار گرفته است.

پیگیری لیگ به عدالت نزدیک‌تر است

وی درباره احتمال برگزاری مسابقات لیگ در فصل آینده با حضور ۱۶ تیم در ۲ گروه ۸ تیمی عنوان کرد: لیگ امسال با حضور ۱۴ تیم برگزار شد و در مجموع می‌توان گفت از کیفیت قابل قبولی برخوردار بود. با این حال اضافه شدن چهار تیم دیگر به این ترکیب به هیچ وجه کار ساده‌ای نیست و می‌تواند چالش‌های جدی به همراه داشته باشد.

سرمربی فوتسال زنان فولاد : پیگیری لیگ به عدالت نزدیک‌تر است

دارا خاطر نشان کرد: حتی اگر قرار باشد مسابقات در قالب دو گروه برگزار شود ناگزیر باید قرعه‌کشی انجام گیرد. فرآیندی که معمولاً منجر به شکل‌گیری گروه‌های نامتوازن می‌شود به‌طوری‌که یک گروه به‌مراتب دشوارتر از گروه دیگر خواهد بود. چنین شرایطی تعادل رقابت‌ها را بر هم می‌زند و عدالت ورزشی را زیر سؤال می‌برد. در نتیجه با چنین ساختاری به سختی می‌توان این رقابت‌ها را «لیگ» نامید. چرا که ماهیت لیگ بر پایه رقابت برابر و منظم میان همه تیم‌هاست. طبیعی است که در این وضعیت کیفیت مسابقات نیز به‌طور محسوسی افت خواهد کرد.

سرمربی تیم فوتسال زنان فولاد هرمزگان با اشاره به نقاط ضعف و قوت فصل جاری لیگ برتر توضیح داد: از عملکرد بازیکنانم رضایت کامل دارم و معتقدم تا پایان هفته نوزدهم با تمام توان خود به میدان رفتند و نتایج قابل قبولی نیز کسب کردند. یکی از نکات مثبت لیگ امسال حضور گسترده بازیکنان ملی‌پوش در اکثر تیم‌ها بود؛ موضوعی که باعث شد در همان نیم‌فصل نخست فاصله امتیازی تیم‌ها بسیار نزدیک باشد و رقابت در جدول شکل فشرده و جذابی به خود بگیرد.

کلثوم دارا سرمربی تیم فوتسال زنان فولاد هرمزگان در خصوص سرنوشت چند هفته پایانی لیگ و احتمال معرفی تیم استقلال به عنوان قهرمان لیگ اظهار کرد: در مورد پایان لیگ ما هم صحبت‌هایی را به طور غیر رسمی شنیدیم ولی هنوز چیزی به باشگاه‌ها اعلام نشده است. گویا همه منتظر رای کمیته انضباطی در مورد نتیجه دیدار استقلال و هیئت فوتبال خراسان رضوی هستند تا پس از آن درباره سه هفته پایانی تصمیم گیری شود. وی افزود: من تصمیم‌گیرنده نهایی نیستم اما به‌عنوان سرمربی تیم فولاد ترجیح می‌دهم سه هفته پایانی مسابقات نیز برگزار شود. با این حال باید دید در نهایت فدراسیون فوتبال، سازمان لیگ و مسئولان باشگاه‌ها چه تصمیمی خواهند گرفت. بدون تردید شرایط خاص و جنگی کشور روند تصمیم‌گیری را دشوارتر کرده است و برگزاری رویدادهای ورزشی در چنین فضایی کار ساده‌ای نیست.

سرمربی تیم فوتسال زنان فولاد هرمزگان ادامه داد: با این وجود معتقدم در صورت تعیین قهرمان لیگ بهتر است تکلیف تیم‌های دوم و سوم نیز مشخص شود. باشگاه‌ها در طول یک فصل کامل هزینه کرده و تلاش زیادی برای ارائه رقابتی سالم انجام داده‌اند و شایسته نیست که این رقابت‌ها تنها با معرفی تیم استقلال به‌عنوان قهرمان به پایان برسد.

دارا اضافه کرد: سه هفته از مسابقات باقی مانده و این دیدارها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در جدول داشته باشند. برای مثال اگر نتایج بازی‌های رودرو را ملاک قرار دهیم تیم فولاد در دیدار رفت برابر نفت آبادان به پیروزی رسیده و در بازی برگشت نیز به تساوی دست یافته است. بنابراین شانس فولاد برای کسب عنوان نایب‌قهرمانی نسبت به نفت آبادان بیشتر خواهد بود.



یابی اعتمادی بس فیه نذران جواب او،
لامضابق
باودی مقابله کن، تا مردم جانب تو را بگیرند



خدایی مدال طلای خود را تقدیم شهدای مدرسه شجره طیبه کرد

● محمد عرفان خدایی نماینده شایسته ایران در مسابقات قهرمانی جهان نوجوانان تاشکند وقتی برای مردم، به عشق میهن و برای شاد کردن دل خانواده‌های شهید، در قالب کاروان «هرمز» نخستین مدال جهانی سال ۱۴۰۵ ورزش کشور را به دست می‌آوری، این موفقیت جز با همت، غیرت و حمایت پهلوانان ایران و دعا‌های خیر مردم متحد این سرزمین ممکن نمی‌شود.

● محمدرعنان خدایی، پس از کسب مدال طلای جهان، با افتخار گفت: این مدال را تقدیم می‌کنم به شهدای مدرسه شجره طیبه میناب. امروز سکوی قهرمانی وزن ۵۵- کیلوگرم نوجوانان جهان با حضور درخشان محمدرعنان خدایی مزین شد؛ نماینده‌ای شایسته که نام ایران را بر بلندای جهان نشانند.

● فدراسیون تکواندو جمهوری اسلامی ایران با پرورش چنین پهلوانانی نشان داد که در بهپویه جنگ و حتی در سخت‌ترین شرایط، می‌تواند به سهم خود برای سربازی و سربلندی ایران گام بردارد و افتخارآفرینی نماید